



یادداشت سی و سوم

مهمترین خبرها و مطالب این شماره:

مصالحه و آشتی با طالبان:
بعد از حمله به دفتر یوناما و قتل کارمندان آن در مزارشریف، تحقیقات نشان می‌دهد که عاملان اصلی این حمله، طالبانی بوده‌اند که قبلاً به پروسه صلح پیوسته بوده‌اند. در گزارش‌ها آمده است که شورای عالی صلح، ۱۳۸ تن از طالبان را از زندان ریاست امنیت ملی ولایت غزنی رها می‌سازد. دولت امریکا ۵۰ میلیون دالر به شورای عالی صلح کمک کرده است و شورای عالی

صلح گفته است که به مخالفینی که از جنگ دست بر می‌دارند، پول پرداخته می‌شود. والی نام نهاد طالبان در قندوز با ۵۰ تن از افرادش و همین طور ۶۰ نفر دیگر از مخالفین دولت در ولایت سرپل به پروسه صلح پیوسته‌اند.

شفافیت انتخابات: مطبوعات، گزارش داده‌اند که لوی سارنوالی در صدد توقیف مقام‌های کمیسیون‌های انتخاباتی است. در همین حال، پارلمان افغانستان، لوی سارنوال را به مجلس نمایندگان فراخواند تا به پرسش‌هایی که در باب ایجاد محکمه‌ی ویژه‌ی انتخاباتی مطرح است، جواب دهد. اما لوی سارنوال

گفته است که پارلمان حق استجواب لوی سارنوال را ندارد. تا هنوز لوی سارنوال به مجلس نمایندگان حضور نیافته و گفته است که به مجلس برای ارایه پاسخ خواهند رفت.

فساد اداری: رییس استراتژی مبارزه علیه فساد اداری در مجلس، برای پاسخ به سوال‌های نمایندگان فراخوانده شد و دادستانی کل افغانستان گفته است که در مساله فساد اداری نواقض و چالش‌هایی در کار ما وجود دارد. عنایت‌الله قاسمی، وزیر پیشین ترانسپورت، بعد از بازداشت به اتهام فساد اداری توسط لوی سارنوالی، به ضمانت

رییس‌جمهور آزاد شد و دکتر عبدالله عبدالله رهبر اپوزیسیون، هشدار داده است که ادامه فساد در کشور به اعتراضات مردمی خواهد انجامید.

عدالت انتقالی: طی دو هفته گذشته، یک مقاله در مورد عدالت انتقالی در مطبوعاتی که در اختیار ما قرار گرفته است، نوشته شده است.

مصاحبه‌ها و مقالات: در این شماره مصاحبه‌ای داریم با فوزیه کوفی، نماینده مردم ولایت بدخشان و رییس کمیته امور زنان در پارلمان، در مورد مذاکره و آشتی دولت افغانستان با طالبان.

مذاکره با طالبان منتج به صلح نخواهد شد

مصاحبه با قائم‌مقام فوریه کوفی، نماینده مردم ولایت بدخشان و رییس کمیته امور زنان در پارلمان افغانستان



اگر دولت افغانستان بخواهد همچنان روند مذاکره را دنبال کند، یعنی بدون توجه به پارلمان، نادیده گرفتن احزاب سیاسی، نشنیدن صدای مردم افغانستان، مشوره نکردن با گروه‌ها و جامعه مدنی که طرف اصلی قضیه هستند، منجر به نقض حقوق شهروندی خواهد شد و این ره به جایی نخواهند

ادامه در صفحه ۱۶

اشتراک

دیده بان افغانستان به خاطر دوام کار مجله حقیقت تصمیم گرفته است تا بعد از این، آن را در بدل حق اشتراک توزیع نماید. اشتراک شما در این مجله دوام آن را تضمین می‌نماید.

هزینه اشتراک یک ساله خبرنگار حقیقت:

- سازمان‌های داخلی و افراد: ۱۵۰۰۰ افغانی یا ۳۰۰۰ دالر امریکایی
- برای سازمان‌های خارجی: ۳۰۰۰۰ افغانی یا ۶۰۰۰ دالر امریکایی

برای اشتراک به این ایمیل آدرس تماس بگیرید: publication@watchafghanistan.org و فورم اشتراک یک ساله این خبرنگار را دریافت نمایید.



مطالب این شماره

۹	به مخالفینی که از جنگ دست بردارند پول پرداخت می‌شود
۹	ترکیه مسیر باز مذاکرات صلح در افغانستان
۹	پول پردازی و پیامدهای پرمخاطره
۱۰	لویه جرگه بخشی از پروسهی «طالبانیزه سازی» افغانستان
۱۰	کمیسیون تحکیم صلح: کاش شورای عالی صلح با ما مدغم می‌بود!
۱۰	والی طالبان در قندوز با ۵۰ تن از افرادش به دولت پیوست
۱۰	عبدالله: مشکل اصلی در افغانستان خود رییس‌جمهور است
۱۰	شصت تن از افراد طالبان در سرپل به دولت پیوستند
شفافیت انتخابات	
۱۱	ادامه تنش‌های قوهی قضاییه‌مقننه و معامله‌های پشت‌پرده
۱۱	کاندیدهای معترض در جستجوی نخود سیاه
۱۱	دادستانی کل در تلاش توقیف مقام‌های کمیسیون‌های انتخاباتی
۱۲	ولسی جرگه این بار لوی‌سارنوال را به مجلس فراخواند
۱۲	لوی‌سارنوالی: پارلمان حق استجواب و استیضاح مرا ندارد
۱۲	ادامه رویارویی حکومت و پارلمان
۱۲	با کشمکش‌های بی‌معنی مردم به ستوه آمده‌اند
فساد اداری	
۱۳	فساد تا کی؟
۱۳	عنایت‌الله قاسمی در بدل ضمانت آزاد شد
۱۳	مبارزه با فساد؛ اراده‌ی سست و دستان بزرگ
۱۳	رهایی اختلاس‌گران بزرگ، نتیجه‌ی کاسه زیر نیم کاسه است
۱۴	دادستانی کل: در مساله‌ی فساد نواقص و چالش‌هایی در کار ما وجود دارد
۱۴	رییس استراتژی مبارزه علیه فساد اداری به مجلس نمایندگان فراخوانده شد
۱۴	بروید و خود را دار بزنید!
۱۴	فساد اداری؛ وجه مجهول همیشگی
۱۴	هشدار داکتر عبدالله نسبت به اعتراضات مردمی در گسترش فساد
۱۵	باز پس‌گیری هزاران جریب زمین دولتی از غاصبان
مصاحبه‌ها و مقالات	
۱۶	مذاکره با طالبان منتج به صلح نخواهد شد
معرفی نشریات تازه	
۱۷	

عدالت انتقالی	
۳	عدالت بر معیار نژاد و زبان
مصالحه و مذاکره با مخالفین دولت	
۴	کرزی: زنان را قربانی صلح نمی‌سازیم
۴	آیا مصالحه‌ی احتمالی دستاوردهای حقوق زنان را از بین نمی‌برد؟
۴	اگر طالبان صادق باشند!
۴	رویداد مزار؛ پیامد مصونیت طالبان
۵	صلح با طالبان را نمی‌خواهیم
۵	مصونیت نمایندگان؛ شرط طالبان برای مذاکرات صلح
۵	آیا امریکا برای مذاکرات با طالبان آمادگی دارد؟
۵	طرح‌های صلح بی‌نتیجه است
۵	طالبان با کدام طرف مذاکره می‌کنند؟
۶	داعیه‌ی صلح و مذاکره‌ی مستقیم میان امریکا و مقاومت مسلح
۶	۱۱ طالب به پولیس‌کنند پیوستند
۶	طالبان خواهان گفتگو با امریکا
۶	سرنوشت مشابه داکتر نجیب‌الله و حامد کرزی!
۶	کمک پنجاه میلیون دالری امریکا به شورای عالی صلح
۷	کمک‌های بین‌المللی را درست مصرف نماییم
۷	نتایج امتیازدهی به طالبان
۷	حمله‌کنندگان اصلی به دفتر یوناما در مزارشریف طالبانی بوده که به دولت پیوسته‌اند
۷	مصالحه یا غسل تعمید تروریست‌ها؟
۷	شورای عالی صلح ۱۳۸ مخالف مسلح را از زندان ریاست امنیت ملی غزنی رها می‌سازد
۷	شورای عالی صلح، نیازمند راهکارها و برنامه‌های جدید
۸	روند صلح، و ناکامی چند بعدی
۸	نشانه‌های حضور مجدد القاعده
۸	کمک ده‌ها میلیون دالری کجا مصرف می‌شود؟
۸	پروسه صلح باید شفاف و قابل اعتماد باشد
۹	خانه‌های امن
۹	موافقان و مخالفان از روند صلح چه تعریفی دارند

عدالت انتقالی

عدالت بر معیار نژاد و زبان

روزنامه ۸ صبح، شماره ۱۱۲۱، ۱۳ حمل ۱۳۹۰، صفحه هشتم
نویسنده: خالد خسرو

کنفرانس «ایجاد هماهنگی میان بازماندگان قربانیان جنگ» در فاصله چند هفته از سالگرد قتل عام افشار، در فاصله چند سال از قتل عام جنوب و شرق و غرب کابل برگزار شد، آن هم با این پیام واضح: بدون عدالت، صلح پایدار در افغانستان حاکم نمی‌شود. داکتر سیما سمر، رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گفت که کسی حق بخشیدن جرایم جنگی را ندارد. ولی این حق از آغاز کنفرانس «بن» به سیاستمداران و جنگجویان افغان داده شد. همان‌هایی که پس از سال‌ها منازعه خونین با یکدیگر همچون پیروزمندان جنگ، دور یک میز با حمایت غرب نشستند و حکومت را تشکیل دادند.

اگر قرار باشد که در یک مباحثه ملی مفهوم عدالت و رسیدگی به جنایت علیه بشریت را مطرح کنیم، می‌توانیم یک نظر واحد از افغان‌ها را داشته باشیم؟ در حالت خوشبینانه می‌گوییم که عدالت و رسیدگی به جرایم علیه بشریت مفاهیم انسانی و حقوقی صریحی‌اند که انسان امروز فارغ از کشور و نژاد از آن پشتیبانی می‌کند. اما این ظاهر قضیه است. زمانی که خانم سمر به عنوان رییس کمیسیون حقوق بشر از اجرای عدالت در افغانستان صحبت می‌کند، یک پیش‌فرض مسلم در ذهن او وجود دارد که پروژه‌ی تطبیق عدالت از یک پشتوانه ملی برخوردار است، چون افغان‌ها بزرگترین آسیب‌ها را از عدم اجرای عدالت و رسیدگی به جرایم متحمل شده‌اند. چون این مفاهیم چنان با مسایل سیاسی و تاریخی در آمیخته شده‌اند که درک بدون تناقض از آن، از دالان مشاجرات تلخ سیاسی و قومی می‌گذرد.

چرا چنین توافقی وجود ندارد؟ دلیل آن پیوند عدالت با قومیت است. افغان‌ها در تذکره یا پاسپورت خود را به عنوان «افغان» می‌شناسند ولی در زندگی و سیاست روزمره برای خود هویت‌های قومی جداگانه‌ای قایل شده‌اند که در چهارچوب‌های سیاسی و تاریخی، در جاهایی، باهم به عنوان هویت‌های متخاصم روبرو می‌گردند.

مصالحه و مذاکره با مخالفین حکومت

کرزی: زنان را قربانی صلح نمی‌سازیم

روزنامه ماندگار، شماره ۵۴۰، ۱۳ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

بر اساس اطلاعیه دفتر ریاست جمهوری، کرزی در زمینه تلاش برای خاتمه دادن به شورش گروه طالبان در افغانستان از طریق مذاکره و مصالحه، تأکید کرد که دولت وی به رعایت حقوق زنان متعهد است.

کرزی طی سخنرانی از طریق ویدئو کنفرانس با دانشجویان خارجی، مشارکت زنان در عرضه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در افغانستان را یکی از دستاوردهای مهم حکومت دهساله‌ی خود خواند.

رییس‌جمهور در بخشی از سخنان خود با اشاره به تلاش‌های شورای عالی صلح که به عنوان مجری برنامه آشتی ملی دولت آقای کرزی فعالیت می‌کند، گفت که شماری از زنان در این شورا عضویت دارند و آنها هم برای اجرای این برنامه تلاش دارند.

حامد علمی، از سخنگویان آقای کرزی گفته است که رییس‌جمهوری در این سخنرانی تأکید کرده است که هیچ نوع صلحی با شورشیان بدون در نظر گرفتن نقش زنان برای او قابل قبول نیست. این سخنگوی آقای کرزی گفت: «رییس‌جمهور گفته است که هر برنامه‌ای که درباره صلح کار می‌شود، حتماً نقش زنان و دستاوردهای دهساله در نظر گرفته می‌شود».

آیا مصالحه‌ی احتمالی دستاوردهای حقوق زنان را از بین نمی‌برد؟

روزنامه ۸ صبح، شماره ۱۱۲۱، ۱۳ حمل ۱۳۹۰، سرمقاله

رییس‌جمهور افغانستان در سخنرانی که برای شرکت‌کنندگان کنفرانس «ساختن افغانستان و پیشرفت آزادی‌های زنان» در ایالت تکزاس انجام شد، گفته است که مصالحه‌ی احتمالی با طالبان را بدون در نظر داشت نقش زنان و دست‌آوردهای دهساله‌ی آنان، قابل قبول نمی‌داند.

این که گفته‌های رییس‌دولت مستند به چه اسنادی است و چه شواهدی از نظر قول و عملی آن را تأیید می‌کند، موضوعی است که همچون مذاکرات و مصالحه، جنبه‌ی احتمالی دارد و گمان می‌رود ناشی از اشتیاق و تمایل افراطی ایشان به آشتی با طالبان باشد. ولی هر احتمالی باید مبنی و مستند بر شواهد و قرائنی باشد که هر چند رمزی و تلویحی، در دسترس قرار گرفته باشند. تا آنجا که به طالبان مربوط می‌شود، نه به مصالحه‌خواهی و آشتی‌طلبی‌های مکرر آقای کرزی و نه به تمنیات مکرر دست برداشتن از خشونت و جنگ و به تعبیر ایشان «برادرکشی» روی خوش نشان داده‌اند؛ که برعکس با گلوله‌باری بر محل برگزاری اولین کنفرانس صلح، مخالفت صریح‌شان را با مصالحه یا مذاکره عملاً نشان دادند.

بر هرکسی که کمترین آشنایی با این گروه تروریستی داشته باشد و عملکرد آنان را در دوران امارت‌شان دیده باشد، معلوم و مسجل است که ضدیت و دشمنی با زنان جزئی از محکمت اعتقادی آنان است و انصراف از آن به معنی کنار گذاشتن کل اندیشه و ایدئولوژی است که هویت و ماهیت طالبان بر محور آن شکل گرفته است.

صلح بدون شک اساسی‌ترین و فوری‌ترین خواست هر افغان است ولی آیا از خود پرسیده‌ایم معنای این صلح چیست و در ازای آن چه چیزی و چه چیزهایی را از دست باید داد؟



اگر طالبان صادق باشند!

هفته‌نامه‌ی اقتدار ملی، شماره ۴۰۵، ۱۳ حمل ۱۳۹۰، سرمقاله

ملا محمد عمر رهبر طالبان، در فرمانی از پیروان خود خواسته است که به مکاتب و مراکز آموزشی حمله نکنند. وی حمله به این اماکن، تخریب مراکز آموزشی و محروم ساختن فرزندان وطن از آموزش راه ناجایز دانسته است. این اقدام رهبر طالبان که سبب رفع موانع و برداشتن محرومیت از تحصیل صدها هزار کودک و نوجوان خواهد گردید، از سوی مردم، جامعه‌مدنی، حکومت و جامعه‌بین‌المللی مورد استقبال گسترده قرار گرفت.

اگر این تغییر موضع طالبان از رفتار سیاسی آنان به منظور نشان دادن چراغ سبز به جامعه جهانی جهت تحکیم موضع و موقف خود در فرآیند مذاکره‌های صلح و در نهایت حضور در ساختار سیاسی آینده کشور، ناشی شده باشد، نمی‌تواند زیاد به آن دل خوش کرد؛ زیرا ممکن است در چانه‌زنی‌ها و بده و بستان‌های سیاسی توافقی به دست نیاید. آن وقت، بدون تردید نخستین چیزی که قربانی می‌شود، سرنوشت کودکان معصوم و بی‌گناهی است که هیچ نقشی در بازی‌های سیاسی ندارند.

بنابر این، فرمان جدید ملا عمر بیش از این که بیانگر دیدگاه اعتقادی وی نسبت به پدیده‌های مثل تحصیل دختران باشد، ناظر به فضای سیاسی در جامعه و گرفتن نقش برجسته‌تری در روند مذاکره‌های صلح است.

رویداد مزار؛ پیامد مصونیت طالبان

روزنامه ماندگار، شماره ۵۴۰، ۱۴ حمل ۱۳۹۰، صفحه ششم

نویسنده: حلیمه حسینی

فاجعه‌ی مزار شریف و قندهار نه تنها برای مردم ما، بلکه برای تمام تیوریسن‌های داخلی و خارجی که گفتمان مصالحه با طالبان و صلح سراسری را در گرو مذاکره و مصالحه با طالبان ارایه کرده و بر تطبیق و اجرایی شدن آن پای می‌کوبند، موج تکان‌دهنده‌ای از احتمالات را بیدار کرد و سرآغاز بحران‌هایی گشت که از آن یاد می‌شد.

شورای عالی صلح، با فعالیت‌های که در پیش گرفته، به طالبان یا این

می‌شود و حتا ارایه‌کننده‌ی این نظر را به خیانت متهم می‌کنند. شماری از سازمان‌های حقوق بشر مانند سازمان عفو بین‌المللی با طالبان مذاکره می‌کنند یا از حقوق زنان دفاع می‌کنند، ولی نظریه‌ی مذاکرات با طالبان کدام رابطه‌ی مستقیم با وضعیت اسفبار زنان در افغانستان ندارد و کدام دلیلی وجود ندارد که فرض شود حقوق زنان در نتیجه‌ی مذاکرات با طالبان ضایع خواهد شد.

ولی به هر صورت امکان دارد موضع حقوق زنان در چهارچوب اجندای مذاکرات وسیع با طالبان گنجانیده شود. ولی چنین ترتیبات ایجاب می‌کند که امریکا و طالبان اولویت خود را تنظیم کنند و تصمیم بگیرند که با حقوق زنان و مسایل دیگر چقدر اهمیت می‌دهند.

طرح‌های صلح بی نتیجه است

روزنامه افغانستان، شماره ۱۳۶۲، ۱۶ حمل ۱۳۹۰، صفحه دوم
نویسنده: محمدرضا هویدا

طرح صلح که با تبلیغات گسترده‌ای همراه بوده و مصارف و هزینه‌های گزافی را نیز در بر داشته، با گذشت ماه‌ها هیچ نتیجه ملموسی نداشته است. حملات طالبان در قالب‌های نو و کهنه به شدت ادامه دارد و خشونت‌ها رو به گسترش است.

مبارزه علیه تروریسم و طالبان نیز با گذشت نزدیک به چند سال و با آن‌که ده‌ها هزار نیروی خارجی در کنار نیروهای اردو و پولیس ملی علیه مخالفان می‌جنگند، به نتیجه‌ای نرسیده و با ناکامی در جنگ طرح صلح آغاز شده که این طرح نیز با وجود گذشت چند سال هنوز هم در آغاز راه است و بعید به نظر می‌رسد که حداقل در آینده نزدیک به هدف خود برسد.

این طرح‌ها و طرح‌های کلان دیگری که با تبلیغات وسیع داخلی و خارجی همراه بوده، حجم عظیم کمک‌های جامعه جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. هر کدام از این طرح‌ها میلیاردها دالر را به مصرف رسانیده‌اند ولی به تناسب پولی که به مصرف رسیده، نتیجه‌ای از آنها حاصل نشده است.

طالبان با کدام طرف مذاکره می‌کنند؟

روزنامه افغانستان، شماره ۱۳۶۲، ۱۶ حمل ۱۳۹۰، صفحه دوم
نویسنده: عبدالله هروی

موضوع گفتگو با طالبان از دیر زمانی در عرصه سیاسی کشور مطرح می‌باشد. یکی از طرفداران جدی و محوری گفتگو با طالبان حکومت می‌باشد. رییس‌جمهور کمتر به صورت جدی و قاطعانه و صریح حملات طالبان را محکوم کرده است و اگر محکومیتی هم بوده، پندآمیز و نصیحت‌گونه بوده است. همین‌گونه در سطوح مختلف حکومت نیز مساله مذاکره با طالبان از انسجام و هم‌سویی کافی برخوردار نمی‌باشد. فقط عده‌ای خاص هستند که بر موضع مذاکره با طالبان تاکید داشته و همواره کوشیده‌اند که رییس‌جمهور از موضع‌گیری جدی و مستقیم بر ضد طالبان خودداری ورزد. در سطح جامعه و نیروهای سیاسی نیز موضوع مذاکره با طالبان از حمایت و طرفداری جدی برخوردار نمی‌باشد. زیرا اکثر مردم و نیروهای سیاسی تجربه‌های تلخ زمان حاکمیت طالبان را هنوز فراموش ننموده‌اند.

پس از وقوع حوادث خونین اخیر کشور و اظهار امیدواری‌هایی که عده‌ای نسبت به انعطاف‌پذیری‌های طالبان بازگو نموده و از آن اعلام حمایت می‌نمودند، بار دیگر طالبان به صورت آشکارا بر مواضع سرسختانه و آشتی‌ناپذیر خویش تاکید داشته‌اند.

نکته مهمی که از این اعلام موضع‌ها می‌توان به‌دست آورد این است که طالبان همیشه از موضع برتر برخوردار نموده‌اند. آنان به ابراز احساسات و

برادران ناراضی مصونیت بخشیده و آنها را از انزوا به متن جامعه بازگستارده است؛ آنها نیز وارد توده‌ها و اجتماعات مردمی شده، و از فرصت‌ها به نفع خود و تحقق اهداف‌شان استفاده می‌کنند. آیا شورای عالی صلح می‌تواند به این پرسش اساسی پاسخ‌گو باشد که در یک چنین حوادث تلخ و اسفناک، آیا مردم طالب شده‌اند یا طالبان که هر روز بر طبل بخشش و عفو آنها کوبیده می‌شود، یک چنین اعمالی را انجام می‌دهند؟

صلح با طالبان را نمی‌خواهیم

روزنامه ۸ صبح، شماره ۱۱۲۲، ۱۴ حمل ۱۳۹۰، صفحه ۶

در حالی که رییس‌جمهور کرسی می‌گوید که صلح با طالبان بدون رعایت حقوق زنان و حفظ دست‌آوردهای ده ساله آنان غیرقابل قبول است، اما شماری از فعالان حقوق زن نسبت به تلاش‌های پشت‌پرده مقام‌های دولتی به منظور انجام گفتگوها با طالبان ابراز نگرانی می‌کنند.

آشتی با طالبان، گروهی که با سیاست‌های زن‌ستیزانه و سرکوب خشونت‌بار زنان شناخته می‌شوند، نگرانی‌های جدی را درباره از بین رفتن تدریجی و احتمالی حقوق و آزادی‌های جدید به دست آمده، به وجود می‌آورد.

با این حال دیده‌بان حقوق بشر گفته است که دولت افغانستان در گذشته دست به اقداماتی زده که نگرانی از نقض حقوق زنان و حقوق بشر در این کشور را افزایش می‌دهد. به گفته این سازمان، تصویب قانونی در افغانستان شامل معافیت «مجرمان جنگی» از پیگرد قانونی از این قبیل اقدامات بوده است. این سازمان تاکید کرده تنها راه تضمین حقوق زنان در مذاکرات صلح با طالبان این است که به نهادهای فعال در عرصه حقوق زنان و به فعالان زن، اجازه حضور و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها در این عرصه داده شود. اما با این حال زنان و دختران افغان با روند مذاکره با طالبان و صلح با آنان مخالف هستند.

مصونیت نمایندگان؛ شرط طالبان برای مذاکرات صلح

روزنامه ماندگار، شماره ۵۴۱، ۱۵ حمل ۱۳۹۰، صفحه هشتم

شورای عالی صلح، در اظهارات جدیدی اعلام کرده است که طالبان و حزب اسلامی حکمتیار برای گفتگوهای صلح، خواهان ضمانت از سوی غرب به ویژه امریکا هستند. عطالله لودین معاون شورای عالی صلح، در گفتگو با رسانه‌ها ضمن تاکید بر این مطلب، تصریح کرد که طالبان خواهان ضمانت از سوی سازمان ملل و امریکا هستند، تا بتوانند به طور مستقیم با امریکایی‌ها مذاکره کنند.

وی افزود: شورای عالی صلح در تلاش برای زمینه‌سازی مذاکره مستقیم میان مخالفان مسلح دولت و مقامات ناتو و امریکایی است.

لودین از بی‌میلی امریکا برای دادن ضمانت به طالبان سخن گفت و اظهار امیدواری کرد که در نتیجه فشار افکار عمومی از جانب مردم افغانستان، مقامات امریکایی به مذاکره با طالبان تن دهند.

در شرایط موجود، بعید به نظر می‌رسد که امریکا تمایلی برای دادن پاسخ مثبت به خواست طالبان و حزب اسلامی نشان دهد و حاضر به دادن ضمانت به نمایندگان این گروه برای حضور در مذاکرات شود.

آیا امریکا برای مذاکرات با طالبان آمادگی دارد؟

روزنامه افغانستان، شماره ۱۳۶۲، ۱۶ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

در حالی که از جنگ افغانستان ده سال می‌گذرد، حتا ارایه کردن مفکوره آغاز مذاکرات با طالبان هنوز باعث خشم، نگرانی و ترس بسیاری امریکایی‌ها

از یک سو، ایران در روزهای پایانی سال ۸۹ آمادگی خود را برای میزبانی مذاکرات صلح میان مخالفان مسلح و شورای عالی صلح افغانستان اعلام کرد و از سوی دیگر برخی اخبار حکایتگر آن است که طالبان به تازگی گفته‌اند که برای انجام مذاکرات مستقیم شرط و شروطی دارند که باید در قبال آن، تضمین بگیرند.

سرنوشت مشابه داکتر نجیب‌الله و حامد کرزی!

روزنامه ۸ صبح، شماره ۱۱۲۶، ۱۸ حمل ۱۳۹۰، صفحه چهارم

آقای استیفن‌دی‌میسورا، سال جاری در کشور را سال تلاش‌ها و تحریکات سیاسی برای حل منازعه‌ی کنونی افغانستان خواند. یوناما، یکی از جناح‌هایی است که با فرماندهان مختلف طالبان وارد مذاکره شده است. آنچه که در گفته‌های رییس یوناما برجسته است، این است که همه وارد جریان گفتگو با طالبان هستند. ولی، فعلا این گفتگوها از تشدید جنگ در کشور نکاسته و از سوی دیگر بر اعتماد به نفس سیاسی طالبان افزوده است.

آقای دی‌میسورا تاکید می‌دارد که نباید جهان، افغانستان را مانند زمان حکومت داکتر نجیب و مجاهدین تنها رها کند. اما، خوش‌بینی آقای دی‌میسورا دست کمی از خوش‌بینی آقای پتروس غالی نماینده ملل متحد در سال ۱۹۹۱ ندارد، آن زمانی که سازمان ملل به صورت ناپخته در امر مذاکرات صلح پیش‌قدم شد و زمانی که بحران به وجود آمد، به عنوان یک نهاد ناتوان پای خود را از قضا پس کشید.

سازمان ملل بخشی از فشارهای جهانی بالای داکتر نجیب جهت ترک قدرت بود. توافقات صلح میان کرزی و طالبان برای غرب یک بهانه به منظور خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان است. ولی کرزی نیز اشتباهات و ناکامی‌های داکتر نجیب را تعقیب می‌نماید.

در حکومت او هیچ راه دیگری در برابر طالبان وجود ندارد. طالبان به اندازه کافی از انگیزه، نیرو و اجندای تسخیر قدرت به شکل بیرحمانه و خونین در افغانستان برخوردارند. در چنین وضعیت و موقعیتی، کرزی در حالی مذاکرات صلح با طالبان را آغاز کرده که بقای دولت و کشور با خطر یک جنگ داخلی و تسلط خونین طالبان مواجه است. به همین خاطر، تصور ما این است که سازمان ملل نباید اشتباهات سال ۱۹۹۰ میلادی را در افغانستان تکرار کند. همچنان مذاکرات صلح چیزی از قدرت و بلندپروازی طالبان جهت انحصار کامل قدرت در افغانستان را کم نمی‌نماید.

کمک پنجاه میلیون دالری امریکا به شورای عالی صلح

روزنامه افغانستان، شماره ۱۳۶۴، ۱۸ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

سفارت امریکا در کابل اعلام کرده است که برای تشویق طالبان، به ترک جنگ و بازسازی مناطق جنگ‌زده، حدود پنجاه میلیون دالر به شورای عالی صلح افغانستان کمک می‌کند. این پول قرار است از طریق دولت افغانستان در اختیار شورای عالی صلح قرار گیرد و از آن در راه‌اندازی برنامه‌های توسعه‌ای در مناطقی که طالبان حاضر به پیوستن به برنامه‌های صلح‌آمیز هستند، استفاده شود. شورای عالی صلح افغانستان مسوولیت زمینه‌سازی برای آغاز گفتگوهای صلح با طالبان را بر عهده دارد. مقام‌های محلی می‌گویند، از زمان آغاز به کار این شورا در سال گذشته، حدود ۲۰۰ میلیون دالر از سوی کشورهای مختلف به این شورا کمک شده است. شورای عالی صلح می‌گوید که این کمک‌ها، تمایل جامعه جهانی را به تقویت برنامه‌های صلح و پایان یافتن خشونت‌ها در افغانستان از راه مذاکره و مصالحه نشان می‌دهد.

درخواست‌های مقامات حکومتی هرگز بهایی قابل نگریده‌اند و به خوبی دریافته‌اند که در صورت مذاکره با حکومت، حکومت توانایی امتیازدهی را نیز برای آنان ندارند.

جلب اعتماد و اصلاح سیاست‌ها و روش‌های ناکارآمد حکومت‌داری، یکی از زمینه‌هایی است که نگرانی‌های روند مذاکره را رفع نموده و به طالبان اثبات نماید که در افغانستان فقط یک محور و مرکزیت تصمیم‌گیری وجود دارد و آن هم دولت مرکزی است. بنابر این هرگونه گفتگو و مذاکره فقط با حضور و مشارکت این محوریت می‌تواند تحقق یابد.

داعیه‌ی صلح و مذاکره‌ی مستقیم میان امریکا و مقاومت مسلح

روزنامه اراده، شماره ۱۰۱۴، ۱۷ حمل ۱۳۹۰، صفحه دوم

چندی قبل شماری از دانشمندان خارجی، از واقعیت‌های افغانستان و منطقه موضوع مذاکره‌ی مستقیم مقام‌های امریکایی را با مقاومت مسلح افغانی به قصد تامین صلح مطرح ساختند که ظاهرا در تنظیم استراتژی جدید حکومت اوپاما در نظر گرفته نشد. فکر می‌شود که وقت آن رسیده است که امریکا به جنگ غیرعادلانه‌ی افغانستان نکته‌ی پایان بگذارد. پایان جنگ ایجاب مذاکره‌ی مستقیم را با مقامات مسلح می‌نماید.

وجود گروه‌های جنگی و مافیایی حاکم در نظام حکومتی، بزرگترین مانع تامین صلح به حساب می‌آیند. شورای عالی صلح در تلاش چند ماهه‌ی خود در مسیر تامین صلح هیچ دستاوردی نداشته است. این مطلب از قبل پیش‌بینی می‌شد. این شورا را رشته‌های مرئی و نامرئی با حلقات جنگ‌افروز داخلی و خارجی پیوند می‌دهد. یک مانع دیگر داخلی در رابطه به صلح، مشی دامن زدن به اختلافات قومی و موضع‌گیری جانب‌دارانه در رابطه از جانب قوت‌های خارجی است.

۱۱ طالب به پولیس کندز پیوستند

روزنامه ۸ صبح، شماره ۱۱۲۵، ۱۷ حمل ۱۳۹۰، صفحه دوم

ملاصاح‌الدین که بر بنیاد گفته‌های خودش، از مجبوریت از دو سال به این سو با طالبان یکجا و برعلیه دولت در ولسوالی امام‌صاحب ولایت کندز می‌جنگید، به پولیس پیوست.

ملاصاح‌الدین، انگیزه پیوستنش به پولیس را حفاظت و پاسداری از ناموس و آبرویش عنوان کرده گفت: «طالبان به هیچ اصلی پایبند نبوده‌اند و من مجبور بودم آبرو و ناموس خود را در دو سال اخیر نگهداری کنم».

جنرال سمیع‌الله قطره، فرمانده امنیه ولایت کندز در ارتباط به پیوستن این فرمانده طالبان گفت که دولت برای برادرانی که تا حال به خاطر ملحوظاتی از دولت فاصله گرفته بودند، زمینه‌های کار آبرومندان را فراهم می‌کند.

طالبان خواهان گفتگو با امریکا

روزنامه چراغ، شماره ۱۷۷۹، ۱۷ حمل ۱۳۹۰، صفحه دوم

بعد از این که تصمیم دولت افغانستان در مورد آغاز مذاکرات صلح با طالبان با چراغ‌سبز کشورهای بزرگ غربی و انتقاد گروه‌های مختلف داخلی همراه شد، تحول و پیشرفت چندانی در این امر رخ نداد و همچنان شهرهای کوچک و بزرگ افغانستان هدف آتش و حمله‌ی شورشیان و نبرد نیروهای ایتلاف با این گروه‌ها قرار دارد. اما طی روزهای اخیر دو خبر تازه درباره‌ی پیگیری تصمیمات دولتی حکایت از تکانه‌ای که البته امیدوارکننده نیست و تنها از میل طالبان به کسب امتیاز و بیرون رفتن از تنگنای کنونی‌اش خبر می‌دهد.

کمک‌های بین‌المللی را درست مصرف نماییم

روزنامه افغانستان، شماره ۱۳۶۴، ۱۸ حمل ۱۳۹۰، صفحه چهارم
اگرچه از زمان تشکیل شورای عالی صلح زمان زیادی نمی‌گذرد؛ اما در این مدت انتقادهای زیادی بر ساختار و کارکرد این شورا از سوی کارشناسان و رسانه‌ها وارد شده است.

بسیاری از مردم اصل تشکیل این شورا را زیر سوال می‌برند و معتقدند تا زمانی که از طریق سیاسی و نظامی زمینه‌های صلح و گفتگو با طالبان فراهم نیاید، تلاش‌های شورا با چالش و بن‌بست مدام مواجه خواهد شد. از این‌رو شورای عالی صلح نهادی است که جز صرف هزینه‌های هنگفت و گسترش فضای بی‌اعتمادی در میان جامعه، دستاورد دیگری را به همراه نخواهد آورد. انتقاد از کارکردهای شورای عالی صلح و سایر تلاش‌های صلح‌خواهانه دولت به معنای این نیست که اصل صلح و مذاکره با طالبان و سایر مخالفان دولت مردود دانسته شود؛ بلکه به این مفهوم است که اولاً بستر و پیش‌زمینه لازم برای این‌گونه تلاش‌ها فراهم نگردیده و ثانیاً مردم از نتایج و پیامدهای آن در شرایط فعلی به شدت نگران و بیمناک‌اند.

شورای عالی صلح نه تنها از جانب دولت افغانستان مورد حمایت قرار گرفته است، بلکه بسیاری از کشورهای کمک‌کننده نیز حمایت‌شان را از این شورا اعلام داشته‌اند و تاکنون حدود دوصدو پنجاه میلیون دالر از کمک‌های بین‌المللی به این شورا اختصاص یافته است، تا به منظور پیشبرد پرسه صلح به مصرف برسند. با توجه به سوالات و ابهاماتی که در چشم‌انداز فعالیت این شورا وجود دارد، بعید به نظر می‌رسد که با این کمک‌ها صلح و امنیت در کشور تامین و تضمین گردد.

نتایج امتیازدهی به طالبان

روزنامه افغانستان، شماره ۱۳۶۴، ۱۸ حمل ۱۳۹۰، صفحه چهارم
حمله بر دفتر سازمان ملل در شهر مزارشرف سوالات جدی و مهمی را در مورد بسیاری از مسایلی که در کشور در حال جریان است، مطرح ساخت. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد طالبان که به پرسه صلح پیوسته و در خانه‌های امنی که از سوی دولت برای آنها تهیه دیده شده زندگی می‌کنند و در حمله بالای دفتر ملل متحد نقش اساسی داشته‌اند. این‌ها بوده‌اند که مسلح بوده و مردم را تشویق به حمله به دفتر ملل متحد کرده‌اند. و شاید فجایعی دیگری که نیز به وقوع پیوسته است بی‌ارتباط با آنها نباشد. از آغاز پرسه صلح تاکنون که ماه‌ها از آن می‌گذرد، اگر دستاوردهای آن بررسی شود، نقاط برجسته‌ای که بتوان شمار نمود به دست نمی‌آید. آنچه مشاهده می‌شود بیشتر امتیازدهی به طالبان به خاطر جلب همکاری و نشستن آنها در میز مذاکره است. تنها کار عمده‌ای که از سوی مقامات و مسوولین دولتی و پرسه صلح به گسترده‌گی مطرح می‌شود و تبلیغاتی هم پیرامون آن صورت می‌گیرد، پیوستن افراد طالبان به پرسه صلح است. پیوستن این افراد که در مواردی با شک و شبهه نیز همراه بوده است و ادعاهای متفاوتی در مورد هویت این افراد نیز شده است، توسط امتیازهای مختلف از اشتغال و کار گرفته تا مسکن و امنیت جانی و به تبع آن معافیت از پیگیری‌های عملی که در گذشته انجام داده‌اند، صورت گرفته است.

حمله کنندگان اصلی به دفتر یوناما در مزارشرف طالبانی بوده که به دولت پیوسته‌اند

روزنامه ۸ صبح، شماره ۱۱۲۷، ۲۰ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول
گروه حقیقت‌یاب دولتی که برای تحقیق در مورد جزئیات تظاهرات خشونت‌آمیز در مزار شریف به این شهر رفته بود، می‌گوید شماری از افراد سابق

گروه طالبان از جمله عاملان اصلی خشونت در این تظاهرات بوده‌اند. محمد اکبری، از اعضای مجلس نمایندگان که در راس این گروه قرار دارد، گفت که این افراد در گذشته با طالبان همکاری داشتند ولی اخیراً در تشکیل برنامه مصالحه ملی، به دولت پیوسته بودند. آقای اکبری تأکید کرد که تعداد این افراد از ده نفر بیشتر نبوده است. آقای اکبری افزود: «شماری از آنها سابقه‌ی همکاری با طالبان داشتند، اما بعدتر آمده و تسلیم شده بودند. در جمع کسانی که بیشتر حادثه آفرینند، از همین جمع هستند که در روند صلح به دولت پیوسته بودند.» او گفت که این افراد از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده و در اعترافات خود از سابقه همکاری با گروه طالبان گفته‌اند.

مصالحه یا غسل تعمید تروریست‌ها؟

روزنامه ۸ صبح، شماره ۱۱۲۷، ۲۰ حمل ۱۳۹۰، سرمقاله
مسئله‌ی طالبان پیوسته به دولت و عفو آنان و سپس برگشت آنان به جمع طالبان، مسأله‌ی تازه‌ی نیست بلکه بارها تکرار شده است، ولی آنچه واقعا سوال برانگیز است و مشکوک و مبهم؛ نه پیوستن آنان به اصل خودشان، بلکه اصرار لجوجانه‌ی کسانی است که این واقعیت را نادیده گرفته و با وجود آن سعی در کشاندن طالبان به روند مصالحه دارند. در این حال وقتی شورای عالی صلح از پیوستن برخی از طالبان به پرسه صلح سخن می‌گوید، کسی نمی‌تواند امیدوار باشد که این کسان نیز از همان‌هایی نباشند که با استفاده از برنامه‌ی مصالحه، به صورت موقت به دولت می‌پیوندند تا زمینه برای فعالیت‌های مخربانه و آدم‌کشانه‌ی‌شان آماده گردد و فاجعه‌ای را که در مزار شریف و سپس قندهار آفرینند، بازهم بیافرینند. شورای عالی صلح بخواهی نخواهی، شریک جرم و جنایات اینها در تاریخ شمرده می‌شود.

شورای عالی صلح ۱۳۸ مخالف مسلح را از زندان ریاست امنیت ملی غزنی رها می‌سازد

روزنامه افغانستان، شماره ۱۳۶۶، ۲۱ حمل ۱۳۹۰، صفحه هشتم
رییس امنیت ملی ولایت غزنی درحالی از بازداشت ۱۳۸ نفر به اتهام همکاری با طالبان خبر می‌دهد که هفته گذشته دو نفر از ولسوالی قرباغ غزنی که به اتهام همکاری با طالبان در زندان بگرام زندانی بودند به همکاری شورای عالی صلح از زندان رها شدند. قاری حبیب‌الله فوزی عضو شورای عالی صلح به مردم غزنی وعده داد که تمام کسانی را که به اتهام همکاری با طالبان در زندان‌ها به‌سر می‌برند، آزاد خواهند کرد.

شورای عالی صلح، نیازمند راهکارها و برنامه‌های جدید

روزنامه اراده، شماره ۱۰۱۶، ۲۱ حمل ۱۳۹۰، سرمقاله
از شش ماه به این سو به خاطر استقرار صلح در کشور، دولت با تاسیس شورای تازه در این راستا، وارد فاز جدیدی شد؛ این شورا به خاطر جذب و تشویق اعضای طالبان به روند صلح و انجام مذاکرات با آنها ایجاد گردید، اما با این وجود، تاکنون چشم‌انداز روشنی از فعالیت‌های این شورا ملموس نیست. سفارت امریکا در کابل اعلام کرد، کاخ سفید برای تشویق طالبان به ترک جنگ و هم‌چنین کمک به بازسازی مناطق جنگ‌زده‌ی افغانستان، حدود ۵۰ میلیون دالر به شورای عالی صلح کشور کمک می‌کند.

نیروهای بین‌المللی در عرصه قدرت نظامی افغانستان به وجود خواهد آمد، آمادگی خود را برای حضور دوباره در افغانستان نشان داده است. هم طالبان و هم گروه القاعده در مناطقی از کشور نفوذ و رخنه کرده‌اند. بنابر گزارش‌های منتشره و به قول مقامات نظامی داخلی و خارجی، طالبان و القاعده به تحکیم پناهگاه‌ها و مخفی‌گاه‌های‌شان در ولایت کنر و نورستان و شمار دیگری از مناطق کشور پرداخته‌اند. از سوی دیگر طرح صلح با طالبان حداقل زمینه‌ای را فراهم ساخته است تا حکومت که امیدوار به مذاکره و گفتگو با طالبان است از فشار صد در صد بر طالبان بکاهد. امتیازاتی همچون رها ساختن زندانیان طالبان، درخواست برای حذف نام شماری از افراد بلندرتبه طالبان از لیست سیاه سازمان ملل، امتیازات دیگری چون مهیا ساختن پناهگاه‌های امن برای طالبان پیوسته به دولت و دادن امتیازات برای آنان و برنامه‌های دیگری از این قبیل، به نحوی دادن مصونیت به طالبان و حضور آنها در صحنه سیاست افغانستان به شمار می‌رود. جدیت طالبان در موضع خصمانه‌شان علیه دولت و نیروهای بین‌المللی از آنها چهره‌ی خستگی‌ناپذیر و پراقتدار به نمایش گذاشته و در مقابل برخورد منفعلانه دولت با طالبان، از آن یک چهره درامنده و ضعیف ارایه داده است.

کمک ده‌ها میلیون دالری کجا مصرف می‌شود؟

روزنامه ماندگار، شماره ۵۴۶، ۲۲ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

اخیرا ایالات متحده آمریکا حدود ۵۰ میلیون دالر به شورای عالی صلح به خاطر پیوستن طالبان به دولت کمک کرده است. کارشناسان سیاسی از کمک میلیون‌ها دالری جامعه‌ی جهانی و آمریکا به شورای عالی صلح به شدت انتقاد می‌کنند و باور دارند که این کمک‌ها هیچ نتیجه عملی در کار صلح و مذاکره با مخالفان ندارد. به باور این آگاهان، از طریق پول نمی‌توان طالبان را به پروسه‌ی صلح کشاند و آن‌ها را قانع ساخت که به دولت افغانستان بپیوندند.

سیدعلی کاظمی، عضو مجلس نمایندگان می‌گوید: میلیون‌ها دالری که آمریکا به شورای عالی صلح کمک کرده است، به دست حلقاتی می‌افتد که در درون شورای عالی صلح و در حکومت افغانستان، مصروف جمع‌آوری پول هستند. این عضو مجلس با انتقاد از کمک میلیون‌ها دالری آمریکا به شورای صلح می‌گوید: مناسبانه تاهنوز مشخص نشده است که چرا جامعه‌ی جهانی بدون حساب و کتاب در این راه بی‌نتیجه پول‌های هنگفتی را به مصرف می‌رساند.

کاظمی باور دارد، این پول‌ها نه تنها که به پروسه‌ی صلح کمک‌کننده نیست؛ بلکه امکان دارد کمک‌های صورت گرفته، به دست مخالفان دولت قرار بگیرد. این نماینده مجلس می‌گوید: شورای عالی صلح به یک نهاد مساوی با یک وزارت و حتا بزرگتر از آن تبدیل شده است و قسمت هنگفتی از این پول‌ها به مخارج داخلی خود شورا به مصرف خواهد رسید که هیچ تاثیر مثبتی را در امر تامین صلح با مخالفان و ثبات در کشور، ندارد.

پروسه صلح باید شفاف و قابل اعتماد باشد

هفته‌نامه مشارکت ملی، شماره ۳۹۷، ۲۲ حمل ۱۳۹۰، صفحه دوم

دولت افغانستان در حالی به تلاش‌های صلح شدت بخشیده و آن را در اولویت سیاست‌ها و برنامه‌های کاری خود قرار داده است که مخالفان مسلح دولت کوچک‌ترین نرمشی در برابر خواسته‌ها و تقاضاهای دولت نشان نداده‌اند.

امروز مردم از دعوت دولت به صلح و مذاکره حمایت می‌کنند و باورمنداند که دولت تنها از طریق نظامی به پیروزی قاطع نایل نمی‌شود و به این دلیل باید در کنار رویکردهای نظامی راهبردهای غیرنظامی نیز مدنظر قرار بگیرد. اما با آن

این در حالی است که مقام‌های محلی می‌گویند، از زمان آغاز به کار این شورا در سال گذشته، حدود دودص میلیون دالر از سوی کشورهای مختلف به این شورا، کمک شده است.

کمک مالی جامعه جهانی به شورای عالی صلح افغانستان، عامل مهمی در پیشبرد سیاست این شورا مبنی بر ترغیب طالبان به پیوستن به روند صلح و ترک جنگ است. کارشناسان بر این باوراند، سیاست شورای عالی صلح افغانستان، برای بازگشت ثبات و آرامش به کشور، باید دارای دو جنبه باشد. به گفته‌ی کارشناسان، رویکرد این شورا برای پیوستن رده‌های فرماندهی طالبان و اعضای این گروه به روند آشتی ملی باید به ترتیب از طریق مذاکره و امتیازدهی شامل تضمین و تامین امنیت مسکن و شغل باشد.

به نظر می‌رسد، تدابیر دولت افغانستان برای ترغیب طالبان به ترک جنگ باید از طریق شفاف‌سازی برنامه‌های خود برای فراهم کردن زمینه بازگشت آنان به روال عادی زندگی، دنبال شود.

باید ابراز داشت در صورت نبود برنامه‌ی مشخص و راهکارهای شفاف و کارآمد، فعالیت این شورا نیز همانند کمیسیون صلح سردرگم و در هاله‌ای از ابهام خواهد بود. روند صلح و ناکامی چند بعدی

روند صلح، و ناکامی چند بعدی

روزنامه چراغ، شماره ۱۷۸۱، ۲۲ حمل ۱۳۹۰، صفحه دوم

حادثه مزارشریف نشان می‌دهد که کابل و حامیان خارجی‌اش که میلیون‌ها دالر را در خدمت برنامه غیرملی مذاکرات با تروریستان گذاشته‌اند، باید در دیده‌گاه‌های خود نسبت به روند جاری صلح و جنگ تجدیدنظر جدی کنند، هر چند مقامات کمیسیون عالی صلح از پیشرفت‌های چشم‌گیر در زمینه‌ی مذاکرات با تروریستان سخن گفته‌اند. دولت آمریکا در هر دقیقه مبلغ ۶۵۰۰۰ دالر را هزینه جنگ به اصطلاح تروریسم در افغانستان می‌کند اما برای آوردن صلح تنها ۵۰ میلیون دالر در کیسه دارد که این تفاوت به‌خوبی رویکرد متضاد این کشور در رابطه به سرنوشت صلح و جنگ را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر مسوولان برنامه صلح فکر می‌کنند با تسلیمی تروریستان تضمین‌های لازم برای صلح به دست می‌آید، اما آنچه در مزارشریف رخ داد به وضوح نشان داد که عملا این دیدگاه از بنیاد اشتباه بوده و باید تضمین‌های لازم را طوری دیگری به‌دست آورد و صلح را پایدار ساخت. با صراحت می‌توان گفت که شیوه‌های جاری مصالحه یک‌جانبه، در چند ماه گذشته کارایی نداشته است. هم‌چنین پرداخت مبلغ اخیر از سوی آمریکا به کمیسیون صلح به معنی حمایت این کشور از روند صلح کابل نیست، بلکه این کشور مطمئن است رویکردهای کابل هرگز به صلح ختم نخواهند شد یا شاید اصلا صلح دست نیافتنی باشد. این پول در واقع در حد دلگرم کردن مقامات و انحراف اذهان عامه از پیامدهای ناگوار معامله با طالبان می‌باشد.

نشانه‌های حضور مجدد القاعده

روزنامه افغانستان، شماره ۱۳۶۷، ۲۲ حمل ۱۳۹۰، چهارم

نویسنده: محمد رضا هویدا

دو موضوع، خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان و طرح صلح با طالبان زمینه‌ی تحرک طالبان را بیشتر ساخته است. طالبان به عنوان عوامل خط مقدم جنگ علیه نیروهای بین‌المللی و دولت افغانستان امیدوار بوده‌اند تا با خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان و عقب‌نشینی سربازان آنها دست بازتری برای مبارزه با دولت افغانستان پیدا کنند. طالبان به همین جهت هیچ‌گامی روی خوش به درخواست‌های دولت افغانستان نشان نداده‌اند. سازمان القاعده نیز به عنوان حامی طالبان و طراح سیاست‌های کلان طالبان با خلایبی که با خروج

حالا نوع نگاهها به این روند تثبیت گردیده است. موافقان سراپا تلاش می‌کنند تا این باورمندی را به مردم القا کنند که شورای عالی صلح با پشتیبانی جامعه جهانی و با به میان آمدن زمینه‌های صلح‌خواهانه در صفوف مخالفان مسلح، روند مذکور را به پیروزی خواهد رساند. مخالفین نیز به اعتقاد راسخی دست یافته‌اند که با این روند نتیجه‌ای در پی ندارد و یا هم پیروزی آن منجر به قربانی ارزش‌های تسجیل‌شده در قانون اساسی می‌گردد. اگر روند صلح یا سرباز بگویم بازسازی صلح که از دیدگاه اندک بدبینانه، معادلات به‌گونه‌ی پیش می‌رود که گویی سناریویی ترتیب شده، ماجرا را این سو و آن سو می‌کشاند.

به مخالفینی که از جنگ دست بردارند پول پرداخت می‌شود

هفته‌نامه پیوند ملی، شماره ۶۲، ۲۴ حمل ۱۳۹۰، سرمقاله سازمان ملل متحد آماده است تا برای آن‌عده از طالبانی که سلاح‌شان را به زمین می‌گذارند پول بپردازد. این پرسه که در ولایت قندوز آغاز گردیده است برای افرادی که علیه دولت افغانستان می‌جنگند، در صورتی که از جنگ دست بردارند، راه‌اندازی شده است.

عبدالروف قاضی‌زاده، یکی از مسوولینی که با برنامه‌ی انکشافی سازمان ملل همکاری دارد در این رابطه می‌گوید که آنها برای همکاری برنامه صلح و ادغام مجدد برنامه موقتی برای چند ماه را در ولایت قندوز به کسانی آغاز نموده‌اند که دست از جنگ برداشته و با این پول بتوانند مشکلات خود را حل نموده و برای‌شان کاری پیدا کنند. آقای قاضی‌زاده گفته که آنها بیش از سه صد تن افراد مسلح مخالف دولت را در مناطق مختلف ثبت‌نام نموده‌اند و قرار است که به همه‌ی این افراد پول بدهند.

ترکیه مسیر باز مذاکرات صلح در افغانستان

روزنامه اراده، شماره ۱۰۱۹، ۲۴ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول
ترکیه اعلام کرده است که این کشور از گشایش دفتر نمایندگی طالبان افغانستان در خاک خود استقبال خواهد کرد. هدف از این کار، کمک به پیشبرد مذاکرات میان طرف‌های درگیر در افغانستان اعلام شده است. بنا به اعلام غیررسمی وزارت خارجه‌ی ترکیه، البته هنوز طالبان در زمینه‌ی گشایش دفتر، تقاضایی تسلیم مقام‌های این کشور نکرده و خواهان میانجیگری ترکیه هم نشده‌اند. ولی به مجردی که چنین خواست‌هایی مطرح شود، ترکیه آماده بررسی آن‌ها است.

ارسلان رحمانی، عضو شورای صلح در این رابطه گفته است که ترکیه هم‌اینک در تدارک زمینه‌سازی برای گشایش دفتر نمایندگی طالبان است. این موضوع یکی از محورهای گفتگوی برهان‌الدین ربانی، رییس شورای صلح با مقام‌های ترکیه در جریان سفر ماه گذشته وی به این کشور بوده است. ترکیه در صدد آن است که در یافتن راه‌حلی سیاسی برای مناقشه‌ی افغانستان نقش یک میانجی را به عهده گیرد.

پول پردازی و پیامدهای پرمخاطره

روزنامه ۸صبح، شماره ۱۱۳۱، ۲۴ حمل ۱۳۹۰، سرمقاله
نویسنده: احسان‌الله دولت‌مرادی
رسانه‌ها گزارش داده‌اند که سازمان ملل به طالبانی که از جنگ دست بردارند، پول می‌دهد. هدف از پرداخت پول، کمک به این افراد می‌باشد تا بتوانند مشکلات خود را حل و کاری برای خویش پیدا کنند.
شماری از کارشناسان سیاسی در افغانستان به این نظر هستند که تعدادی

هم انتقادهای گسترده‌ای از سیاست‌های صلح‌خواهانه دولت دارند که این انتقادات نباید به معنای مخالفت و ضدیت با پروسه صلح تعبیر و تفسیر شود. در حال حاضر پروسه صلح تقریباً تمامی پرسه‌های ملی دیگر را تحت‌الشعاع قرار داده است. بزرگ‌ترین کاری که تا کنون در این عرصه انجام گرفته آزادی بدون قید و شرط زندانیان طالبان از زندان‌های پلچرخ، بگرام و ولایت‌های کشور و حذف نام تعدادی از رهبران طالبان از لیست سیاه سازمان ملل متحد و اختصاص پول، زمین و امکانات به آن دسته کسانی‌اند که به نام مخالف دولت به دولت پیوسته‌اند.

خانه‌های امن

روزنامه افغانستان، شماره ۱۳۶۸، ۲۳ حمل ۱۳۹۰، صفحه هفتم
به گفته یک منبع، این روزها تمام وقت آقای کرزی با دیدارها و ملاقات‌ها با سران قبایل و افرادی که به نحوی در ارتباط با طالبان هستند، پر بوده و رییس‌جمهور مصروف گفتگوهای پشت‌پرده با آنان می‌باشد. وی افزود: ایجاد خانه‌های امن از سوی شورای عالی صلح پیشنهاد شده و کارهای آن پیش برده می‌شود.

مولوی ارسلان رحمانی، عضو شورای عالی صلح، تنها وجود یک مهمان‌خانه در کارته‌چهار شهر کابل را تایید کرده گفت: در این مهمان‌خانه اعضای شورای عالی صلح رفت و آمد کرده و جای بود و باش آنها می‌باشد.

فاضل سانچارکی سخنگوی ایتلاف تغییر و امید می‌گوید: خانه‌های امن اکنون تشکیل نشده بلکه از سه یا چهار سال پیش چنین خانه‌هایی ایجاد گردیده است. وی گفت: همین اکنون تنها در کابل ده‌ها و صدها خانه آماده شده که در آن گروه‌های مختلف جابه جا شده و حتی امکانات و تجهیزات نظامی برای‌شان داده می‌شود.

موافقان و مخالفان از روند صلح چه تعریفی دارند

هفته‌نامه نخست، شماره ۵۶، ۲۴ حمل ۱۳۹۰، سرمقاله
سوال این است که از مدت چهارسال به این سو آنچه پیرامون صلح‌خواهی‌های رییس‌جمهور کرزی بیان گردیده، بیشتر از کدام زاویه مطرح شده است؟ طرح نخست این موضوع غیرقابل پیش‌بینی بود، به همین دلیل خیلی‌ها از همان آغاز بحث مذاکره با طالبان را مردود دانستند. اما تداوم این خواست بالاخره منجر به تشکیل واحدهای فکری مخالف و موافق گردید. موافقان این طرح از آغاز تاکنون حکومت افغانستان، اعضای پشتون‌تبار دولت، برخی از چهره‌های جهادی و قسماً حلقه‌های روزنامه‌نگاری و روشن‌فکری (البته طیف اخیر حمایت مشروط از این پرسه نمودند و خواستار ایجاد سازواره‌های شفاف برای پیش‌برد روند صلح بودند) است. صف مخالفان، در آغاز سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و کشورهای ذی‌دخل در معادلات افغانستان یک صدا این طرح را رد کردند. ولی این طیف‌ها حالا از حامیان سرسخت روند صلح آقای کرزی هستند.

جریان‌های سیاسی اپوزیسیون در داخل از همان آغاز بدون رد یک دست، کار دیگری در زمینه انجام نداده‌اند. تشکیل شورای عالی صلح که نخستین اقدام ساختارمند حکومت افغانستان در روند گفتگوها با مخالفان بود، واکنش‌های زیادی را در پی داشت. از جمله شکل‌گیری محورهایی در سطوح مختلف سیاسی؛ نظیر تلاش‌ها برای بسیج مردم در واکنش بر این‌که حکومت خواستار وارد کردن طالبان در ساختار سیاسی است و با آمدن آن‌ها همه چیز برهم می‌خورد و به راه افتادن بحث‌های جدی‌تری در محافل رسانه‌ای که این روزها به اوج رسیده است.

کمیسیون تحکیم صلح، این نهاد با وجود داشتن بودجه‌ی اندک، دست‌آوردهای خوبی در راستای پیوستن مخالفان به پروسه صلح داشته است. اما او گفت، اگر شورای عالی صلح با این کمیسیون یکجا شود، تلاش‌های صلح در کشور نتایج بهتری را به همراه خواهد داشت. شریفی تصریح کرد: «ما به شورای عالی صلح نظر نیک داریم، ای کاش آنها مدغم با کمیسیون تحکیم صلح افغانستان می‌بودند.»

والی طالبان در قندوز با ۵۰ تن از افرادش به دولت پیوست

روزنامه ماندگار، شماره ۵۴۸، ۲۴ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

مقام‌های امنیتی ولایت قندهار گفته‌اند که یکی از والیان خودخواه طالبان همراه با پنجاه تن از افرادش به برنامه صلح پیوسته است. مولوی نورالعزیز از فرماندهان برجسته گروه طالبان بوده است که اخیراً از طرف این گروه به عنوان «والی» ولایت قندوز در شمال افغانستان تعیین شده بود.

مقام‌های امنیتی در ولایت قندهار گفته‌اند که او در گذشته در جنوب افغانستان فعالیت داشته و در ۲۲ حمل با میانجی‌گری شماری از بزرگان قومی ولایت قندهار از جنگ دست کشیده است. این فرمانده سابق طالبان رهبری دسته‌های کوچک ستیزه‌جویان طالبان را در این ولایات‌ها به دوش داشته است.

عبدالله:

مشکل اصلی در افغانستان خود رییس جمهور است

روزنامه افغانستان، شماره ۱۳۷۰، ۲۵ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

داکتر عبدالله که رهبر ایتلاف «تغییر و امید» می‌باشد، در مرکز تحقیقاتی امور آسیا در واشنگتن گفت، با بخش منطقی پیشنهاد مذاکره با طالبان مشکل ندارد زیرا در هر جنگ دروازه مذاکره با مخالفین باید باز باشد، اما اگر بدون درک حقیقت در این ساحه نتیجه‌گیری شود چنین فضای خلق خواهد شد که دست‌آوردهای کنونی را قربانی خواهد کرد.

داکتر عبدالله در مورد طالبان گفت، افغانستان تقریباً سی میلیون نفوس دارد که از جمله ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر آنها در صفوف طالبان قرار دارند. او افزود، به نظر وی، بدون مبالغه برای مردم افغانستان و دوستان افغانستان در جامعه جهانی، تهدید اساسی حکومت افغانستان می‌باشد.

وی اضافه کرد که هدف آقای کرزی این است که تا سال ۲۰۱۴ مقام خود را حفظ کند یعنی تا وقتی که دور بعدی انتخابات ریاست جمهوری فرا می‌رسد و امریکا عساکر خود را از افغانستان خارج می‌کند.

شصت تن از افراد طالبان در سرپل به دولت پیوستند

روزنامه ۸ صبح، شماره ۱۱۳۲، ۲۵ حمل ۱۳۹۰، صفحه دوم

یک تن از فرماندهان طالبان در ولایت سرپل، با ۶۰ تن از افراد تحت امرش به روند صلح پیوست.

مل‌پاسوال اسدالله شیرزاد، قومندان امنیه سرپل گفته که عظیم یکی از فرماندهان طالبان با ۶۰ نفر مسلح خود از منطقه شیرم‌ها مربوط مرکز ولایت سرپل، به دولت پیوسته است.

قومندان امنیه سرپل اظهار داشت که با دست کشیدن این افراد از مخالفت مسلحانه با دولت، امنیت در منطقه شیرم‌ها که شامل ۵۰ قریه می‌شود، بهبود خواهد یافت. شیرزاد افزود که قومندان عظیم، از یک سال بدین سو در منطقه شیرم‌های این ولایت، بر ضد دولت فعالیت داشت.

به خاطر فقر، بیکاری و مشکلات اقتصادی به صفوف طالبان جذب شده‌اند. شکی نیست که فقر یکی از عوامل جذب جوانان بیکار به صفوف طالبان می‌تواند تلقی شود، اما باید این موضوع را به بررسی گرفت که چند فیصد از اعضای گروه طالبان کسانی خواهند بود که به خاطر ناتوانی‌های مالی و گرفتاری به بیکاری، عضویت در گروه طالبان را انتخاب کرده‌اند. این در حالی است که بر اساس راپورهای نهادهای بین‌المللی و فعال در عرصه حقوق بشر، مسوولیت حدود هفتاد درصد از کشتار غیرنظامیان را طالبان عهده‌دار می‌باشند.

با توجه به این وضعیت، خوشبینی به این که پول دادن به طالبان، آنان را به دست کشیدن از جنگ و پیوستن به زندگی عادی تشویق و ترغیب می‌کند، کار سختی می‌باشد. به نظر می‌رسد، اگر کارشناسان و مشاوران سازمان ملل در خصوص جنگ افغانستان به این نتیجه رسیده‌اند که با دادن پول، بخشی از اعضای گروه طالبان را از سنگر خارج کنند، بهتر این خواهد بود که این پروسه در برابر تضمین‌هایی انجام شود تا پول‌های داده شده به طالبان، دوباره در تداوم روند عملیاتی طالبان بر ضد دولت افغانستان و نیروهای بین‌المللی مستقر در این کشور به مصرف نرسد. از سوی دیگر این نگرانی نیز وجود دارد که پول دادن به طالبان، بخشی دیگر از مردم را نیز تشویق کند تا برای تحصیل این پول، رفت و آمد به صفوف طالبان و برگشت به پروسه پول‌گیری را آغاز کنند.

لویه جرگه بخشی از پروسه‌ی «طالبانیزه سازی» افغانستان

روزنامه ماندگار، شماره ۵۴۸، ۲۴ حمل ۱۳۹۰، صفحه سوم

به گفته‌ی شماری از آگاهان مسایل حقوقی، در قانون اساسی افغانستان، اعضای شورای ملی و روسای شوراهای ولایتی و ولسوالی‌ها، اعضای لویه‌جرگه هستند و صلاحیت تصمیم‌گیری‌های کلان کشوری را دارند. به باور آگاهان، لویه‌جرگه‌ای که آقای کرزی می‌خواهد، خلاف قانون اساسی کشور است و او همانند بسیاری از موضوعات دیگر، تصمیم دارد با تدویر لویه‌جرگه، قانون اساسی را نقض کند و خواسته‌های خودش را بر مردم تحمیل نماید.

مسعود ترشت‌وال، استاد علوم سیاسی دانشگاه، می‌گوید که رییس‌جمهور در این جرگه خواسته‌های مشخصی را مطرح خواهد کرد که مهم‌ترین‌شان، کسب رای اعتماد اشتراک‌کنندگان این جرگه در مورد عقد پیمان استراتژیک افغانستان با امریکا، بازی‌های دیگری که در این مورد با امریکایی‌ها دارد، تعدیل قانون اساسی، هویت بخشیدن به طالبان و نمایاندن خویش به عنوان یک چهره ملی می‌باشد.

ترشت‌وال تصریح کرد، در حقیقت تدویر چنین جرگه‌هایی به نفع مردم افغانستان نبوده و نیست و رییس‌جمهور با احساسات مردم در چنین جرگه‌های بازی می‌کند. او هم‌چنین اضافه کرد: «در حال حاضر پروسه‌ی طالبانیزه‌سازی افغانستان به شدت جریان دارد و لویه‌جرگه یک بخشی از این پروسه است.»

کمیسیون تحکیم صلح:

کاش شورای عالی صلح با ما مدغم می‌بود!

روزنامه ماندگار، شماره ۵۴۸، ۲۴ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

مقام‌های کمیسیون تحکیم صلح گفته‌اند، با آن‌که از فعالیت‌های شورای عالی صلح در کشور استقبال می‌کنند، اما باورمند هستند در صورتی که شورای عالی صلح با این کمیسیون یکجا شود، فعالیت‌های آنها سودمند خواهد شد.

سیدشرف یوسفی، معاون کمیسیون تحکیم صلح، ۲۳ حمل در مراسمی که به منظور پیوستن حدود ۳۰ شورشی مخالف مسلح به پروسه صلح دایر شده بود، به رسانه‌ها گفت که این کمیسیون از تجربه بهتر در زمینه‌ی صلح برخوردار است و همکاری‌های زیادی را نیز در این زمینه انجام داده است. به گفته معاون

شفافیت انتخابات

ادامه تنش‌های قوه قضاییه-مقننه و معامله‌های پشت پرده

روزنامه اراده، شماره ۱۰۱۰، ۱۳ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

انتظار می‌رفت که مجلس نمایندگان چگونگی حضور رییس و اعضای استرهمحکمه را برای پاسخگویی به اتهامات وارده از سوی ۱۰۳ عضو این مجلس در مورد ایجاد محکمه ویژه، مشخص کند؛ اما به دلیل نفوذ حکومت در مجلس نمایندگان، هیات اداری این مجلس، از برگزاری نشست عمومی خوداری کرد و محاکمه‌ی مقام‌های استرهمحکمه به تعویق افتاد.

در اعلامیه‌ی محکمه‌ی ویژه که به نشر رسید، آمده بود که محکمه‌ی ویژه انتخاباتی، هیچ نوع ادعای مشخصی در مورد نمایندگان پارلمان در این محکمه وجود ندارد. برخلاف ادعاهای قبلی این محکمه که گفته بود، محکمه‌ی اختصاصی یک مرحله‌ای می‌باشد، اکنون گفته شده است که صدور حکم محکمه‌ی اختصاصی یک مرحله‌ای نمی‌باشد و به اعتراض‌ها در مراحل مختلف رسیدگی می‌کند.

قرار بود نمایندگان، برای عزل و محاکمه رییس و اعضای استرهمحکمه رای‌گیری کنند، اما جلسه‌ی عمومی برگزار نشد و اعضای هیات اداری در پشت دروازه‌های بسته نشست داشتند.

نمایندگانی که درخواست عزل و محاکمه رییس و اعضای استرهمحکمه را امضا کرده بودند، تشکیل محکمه‌ی ویژه انتخاباتی را از سوی استرهمحکمه را غیرقانونی می‌دانند.



دادستانی کل در تلاش توقیف مقام‌های کمیسیون‌های انتخاباتی

روزنامه ماندگار، شماره ۵۴۰، ۱۴ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

نویسنده: جمشید یما

مسوولان کمیسیون‌های انتخاباتی می‌گویند آنها با تهدیدهای جدی دادستانی کل و نهادهای امنیتی روبرو هستند و حتا امکان بازداشت غیرقانونی شماری از مقام‌های این کمیسیون‌ها از سوی دادستانی کل وجود دارد.

احمد ضیا رفعت، عضو و سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی به روزنامه‌ی ماندگار گفت، نیروهای امنیتی بر اثر فشارهای لوی‌سارنوالی تصمیم دارند شماری از اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی را توقیف کنند. اما سخنگوی دادستانی کل، از ارایه جزئیات در مورد ادعاهای مبنی بر تصمیم دادستانی کل برای بازداشت مقام‌های کمیسیون‌های انتخاباتی و تحت فشار قرار دادن آنها، خوداری کرد و گفت: لوی‌سارنوالی منتظر فیصله‌ی محکمه‌ی اختصاصی است. همچنین ام‌الله ایمان، سخنگوی دادستانی کل، در این رابطه گفته است که ارایه جزئیات بیشتر در این مورد، به تصامیم لوی‌سارنوالی صدمه وارد می‌کند. او افزود، هر کسی که جرمی را مرتکب شده باشد، مورد پیگرد لوی‌سارنوالی قرار خواهد گرفت.

اما آقای رفعت می‌افزاید، در روزهای گذشته، نیروهای امنیتی بر سر راه رییس‌دارالانشا کمیسیون انتخابات قرار گرفتند و تصمیم داشتند او را توقیف کنند، اما موفق به این کار نشدند.

سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی اضافه کرد، دادستانی کل نتوانسته بود ادعاهای خود را در مورد جرم و تخطی اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی ثابت کند، به فکر راه و جاره‌های دیگری برآمده و پرسش‌های مبهمی را از اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی پرسیده است.

این عضو کمیسیون شکایات انتخاباتی در حالی از تصمیم دادستانی برای بازداشت احتمالی شماری از مقام‌های کمیسیون‌های انتخاباتی خبر می‌دهد که

کاندیدهای معترض در جستجوی نخود سیاه

روزنامه آرمان ملی، شماره ۲۰۱۱، ۱۳ حمل ۱۳۹۰، صفحه دوم

به هیچ کس پوشیده نیست که انتخابات ۲۷ سنبله مجلس نمایندگان شورای ملی افغانستان مملو از جعل و تقلب آشکار بود.

لوی‌سارنوالی جمهوری اسلامی افغانستان، پس از کشف و دریافت دلایل و اسناد کافی الزام مبنی بر موجودیت جعل، تقلب و کاربرد زور و زر در این انتخابات، از دادگاه عالی افغانستان خواست تا به پروژۀ متهمین این رویداد رسیدگی نماید. در واقع رییس‌جمهور حامد کرزی با محاسبه این که طرفداران قابل ملاحظه‌ای در مجلس ندارد با نهادهای عدلی و قضایی کشور هم‌نوا و هم‌صدا شده و دست به تالیس دادگاه خاص رسیدگی به جرایم انتخاباتی را زد. تلویزون دولتی افغانستان اخیرا اعلامیه‌ی مبهمی را پخش کرد که بیانگر فعالیت دادگاه رسیدگی به جرایم انتخاباتی در سه مرحله است. اما در اعلامیه ابهاماتی نیز وجود دارد. اولاً: مشخص نیست که محکمه‌ی نهایی تصمیم خویش را به کجا خواهد فرستاد. زیرا صدور اعتبارنامه‌های نمایندگان از حیثه‌ی صلاحیت کمیسیون مستقل انتخابات کشور است.

ثانیاً: رییس‌جمهوری خواست با این اقدام سر و صداهای آن عده‌ای از نمایندگان مجلس مبنی بر غیرقانونی خواندن دادگاه خاص را فرونشانند که آنان در این اواخر خواستار دادگاه اعضای دادگاه عالی گردیده‌اند.

ثالثاً: اقدام به سه مرحله‌ای ساختن این دادگاه در واقع، طولانی کردن روند کار به هدف تداوم بدون درد سر ماموریت رییس‌جمهور و استفاده‌ی ابزاری بالای آن عده‌ای از وکلای سرکش مجلس است تا این تعداد از وکلا نتوانند در برابر فرمایش‌های وی قرار گیرند.

گشت و حکومت به نوعی به جانبداری از نامزدان متعرض پرداخته و در برابر وکلای برنده قرار گرفت. تقابل حکومت و پارلمان به مرحله‌ای نزدیک می‌شود که گویا دیگر غیرقابل برگشت باشد.

لوی سارنوالی معتقد است که پارلمان حق استجواب و استیضاح لوی سارنوال را ندارد و در مقابل اعضای پارلمان نیز معتقداند که مجلسی که به لوی سارنوال رای اعتماد داده است حق استجواب و استیضاح را نیز از او دارد. همانند بسیاری از امور دیگر که در عرصه سیاست افغانستان مساله‌ساز شده‌اند، جنجال به قانون اساسی و تفسیر آن کشیده شده است و مقامات در لوی سارنوالی مواضع‌شان را به قانون اساسی مستند می‌سازند. نکته‌ای که قابل توجه می‌باشد این است که استناد به قانون اساسی و تفسیرها از آن، بارها در مسایل مهم و حساس در افغانستان نتوانسته مایه انسجام و اتحاد آرا باشد بلکه این تفسیرها و برداشتها از قانون اساسی با دیدگاه‌های متفاوت بر عمیق‌تر شدن جنجالها افزوده است. تقابل حکومت و پارلمان بر تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کشور اثر گذاشته و فضای مبهم و متشنج را حاکم ساخته است. ادامه این روند باعث بی‌ثباتی بیشتر دولت در افغانستان می‌شود و تنها کسانی که از این وضعیت سود می‌برند، مخالفانی هستند که با دولت و مردم افغانستان در ستیزه و جنگ هستند. در وضعیت فعلی نمی‌توان نشانی از تعقل و خردگرایی سیاسی که لازمه نخبگان سیاسی است را دید و در مقابل دور شدن از خردگرایی سیاسی و غلبه احساسات و دشمنی‌ها، هر چه بیشتر جای خود را باز می‌کند.

با کشمکش‌های بی‌معنی مردم به ستوه آمده‌اند

روزنامه آرمان ملی، شماره ۲۰۱۶، ۲۰ حمل ۱۳۹۰، سرمقاله

دامنه بحران و بی‌اعتمادی در میان نهادهای دولتی و مقامات کشور با گذشت هر روز گسترش می‌یابد. پس از ایجاد دادگاه ویژه انتخاباتی که ظاهراً از سوی دادگاه عالی کشور پیشنهاد گردید و رییس‌جمهور به آن صحنه گذاشت، آینده سیاسی کشور تاریک‌تر شد و بحث‌ها در میان نامزدان معترض و نمایندگان راه‌یافته به پارلمان و تنش میان حکومت و مجلس نمایندگان افزایش چشم‌گیر یافت.

به همین منظور نمایندگان مردم، لوی سارنوالی را به مجلس فراخوانده‌اند و اما پیشاپیش، معاون لوی سارنوالی، به رسانه‌ها گفته است که فراخواندن لوی سارنوالی از سوی مجلس، قانونمند نمی‌باشد و وی به مجلس نمی‌رود. برعکس، نمایندگان اخطار داده‌اند که اگر لوی سارنوالی در ۲۰ حمل به مجلس نیاید وی را سلب اعتماد می‌کنند.

مسلم است که سلب اعتماد لوی سارنوالی به وسیله‌ی اعضای پارلمان، از سوی رییس‌جمهور کشور مورد قبول واقع نخواهد شد زیرا به قول برخی از آگاهان این بازی خطرناک و بحران‌زا را خود رییس‌جمهور آغاز کرده است و اگر در اراده وی تغییر وارد نشود، در برابر مجلس نمایندگان از مقابله دست نخواهد کشید.

اگر مقابله میان حکومت و مجلس پایان نیابد، بعید نیست که بیشتر وزرای پیشنهادی حکومت بار دیگر از سوی مجلس نمایندگان رد شوند و این گره چنان کور گردد که باز کردن آن برای همه کار دشوار باشد.

بیشتر اعضای مجلس نمایندگان، تصمیم به استجواب از دادستانی کل کشور به خاطر حرکت‌های غیرقانونی که داشته است، گرفته‌اند.

ولسی جرگه این بار لوی سارنوال را به مجلس فراخواند

روزنامه اراده، شماره ۲۰۸۶، ۱۴ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

تنش‌های بین قوه‌ی مقننه و قضاییه به اوج رسیده است. از لغو محکمه‌ی اختصاصی گرفته تا احضار اعضای استرهمحکمه به ولسی‌جرگه همه از مواردی است که هنوز هیچ کدام آن به سر نرسیده است. از طرفی حکومت به ویژه، خود رییس‌جمهور با ادامه‌ی کار محکمه‌ی اختصاصی، وکلای برنده را به تشویب انداخته است که این فرایند باعث شده، وکلای برنده که اکنون در ولسی‌جرگه به حیث نمایندگان مردم حرف می‌زنند، به جای اینکه به وظایف اساسی و اصلی‌شان بپردازند، در هر مجلس عمومی بحث‌های‌شان روی چگونگی این بازی‌ها می‌چرخد. با درنظر داشت این مساله، ولسی‌جرگه در جلسه‌ی دیروزی خود، تصمیم گرفت، تا لوی سارنوال، محمداسحاق الکو را به مجلس بعدی خود دعوت نماید. اعضای ولسی‌جرگه همین طور تاکید دارند که محکمه‌ی اختصاصی بررسی تقلب‌ها در انتخابات پارلمانی لغو شود، اما کاندیدان معترض امیدوارند که تحقیقات این محکمه در نتایج انتخابات ولسی‌جرگه تغییرات بار خواهد آورد.

لوی سارنوالی:

پارلمان حق استجواب و استیضاح مرا ندارد

روزنامه آرمان ملی، شماره ۲۰۱۴، ۱۶ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

به دنبال تنش‌ها میان مجلس نمایندگان و لوی سارنوالی کشور، بر سر انتخابات پارلمانی دور دوم، مجلس نمایندگان از لوی سارنوالی کشور، آقای محمد اسحاق الکو خواسته بود تا به مجلس بیاید و در مورد پرونده‌های انتخاباتی و مسایل دیگر به پرسش‌های نمایندگان پاسخ بدهد.

اما لوی سارنوالی از رفتن به مجلس خوداری کرد و طی نامه‌ای به مجلس گفت که لوی سارنوالی یک نهاد مستقل است و پارلمان حق استجواب و استیضاح وی را ندارد.

اعضای مجلس نمایندگان پس از دریافت نامه لوی سارنوالی مبنی بر حاضر نشدنش در مجلس فیصله کردند که در روز ۲۰ حمل محمد اسحاق الکو، لوی سارنوال استیضاح شود.

احمد بهزاد معاون ریاست مجلس، استدلال کرد که بنابر نظریه مشورتی حقوقی کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی که در برج میزان سال گذشته به مجلس ارسال گردیده و در آن گفته شده است که ریاست‌ها و ارگان‌های مستقل که عضویت قوه مجریه را دارند و از مجلس رای اعتماد اخذ کرده‌اند، زیر نظارت پارلمان قرار دارند و مجلس می‌تواند آنها را استجواب و استیضاح کند. ما می‌توانیم لوی سارنوال را استجواب و استیضاح کنیم و هم مطابق ماده ۸۹ قانون اساسی کشور، شورا می‌تواند کمیسیون خاصی برای بررسی اعمال حکومت تشکیل دهد که اداره لوی سارنوالی هم جزئی از حکومت است و استیضاح لوی سارنوال به هیچ صورتی غیرقانونی نیست.

ادامه رویارویی حکومت و پارلمان

روزنامه افغانستان، شماره ۱۳۶۳، ۱۷ حمل ۱۳۹۰، صفحه

تقابل میان حکومت و ولسی‌جرگه هر روز تنوع و گستردگی بیشتری پیدا می‌کند. پس از آن‌که نتایج انتخابات تبدیل به یک جنجال در سطح کشور

فساد اداری

فساد تا کی؟

روزنامه ماندگار، شماره ۵۴۰، ۱۳ حمل ۱۳۹۰، صفحه هشتم

سه روز قبل معاون دوم رییس‌جمهور در زمینه فساد اداری موجود در دولت اشاراتی داشت و اعتراف نمود که قسمتی از باندهای مافیایی اداری دولتی، هم‌چنان فعال هستند.

علاوه بر این، سخنگویان دادستانی و دادگاه عالی نیز بر این امر، علنا معترف شده‌اند. هر چند این موضوع بارها از زبان بزرگان دیگر دولتی مانند رییس‌جمهور نیز شنیده شده است، جالب‌تر اینجاست که بانیان فساد اداری در افغانستان که همانا غربی‌ها به شمول پاکستان می‌باشند، دولت و مردم افغانستان را به فساد متهم می‌کنند. حال آن‌که خودشان واردکنندگان فساد اداری و اقتصادی به این مملکت هستند و بیشترین سود را در این میان آنان به جیب زده‌اند.

متأسفانه تاکنون دولت با وجود ساختن ادارات متعدد در زمینه‌ی فساد اداری، فقط شعار داده است و حتا یک مورد هم به موارد عملی نزدیک نشده است. در برخی موردهای جزئی فقط افرادی متهم شده‌اند که از داشتن رابطه‌ی قوی با پارت‌های مطرح سیاسی و نظامی، بی‌بهره بوده‌اند.

عنایت‌الله قاسمی در بدل ضمانت آزاد شد

روزنامه آرمان‌ملی، شماره ۲۰۱۱، ۱۳ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

لوی‌سارنوالی افغانستان خبر داد که عنایت‌الله قاسمی وزیر اسبق ترانسپورت بعد از سه روز بازداشت، رها شده است.

امان‌الله ایمان، سخنگوی این اداره به رسانه‌ها خبر داد که آقای قاسمی در بدل ضمانت رها شده است، اما وی افزود این رهایی به معنی برائت دادن قاسمی نیست.

وی افزود: پرونده‌ی وزیر اسبق ترانسپورت هم‌چنان در جریان و در انتظار حکم دادگاه است.

عنایت‌الله قاسمی به اتهام فساد اداری گسترده بازداشت شد و گفته شده که او در اختلاس تقریباً ۹ میلیون دالر امریکایی دست دارد.

مبارزه با فساد؛ اراده‌ی سست و دستان بزرگ

هفته‌نامه سخن‌جدید، شماره ۱۱۸، ۱۴ حمل ۱۳۹۰، صفحه دوم

مبارزه با فساد، فاکتور چالش‌سازی است که ساختار دولت را به شکنندگی مواجه نموده است. خبرهای نشر شده از وجود فساد گسترده در تمام لایه‌های اداری دولت، نشان می‌دهد که هیچ بخشی از دولت از فساد اداری مصون نمانده است. در این میان، دستان بزرگ و قدرتمندی نیز به فساد آغشته‌اند که هیچ ابزار قانونی را توان مقابله با آنان نیست.

ارکان عالی‌رتبه‌ی دولتی، مقام‌های ارشد وزارت‌خانه‌ها و معینان اداره‌های بزرگ، در صدر فهرست دستان آلوده به فساد دیده می‌شوند که چه بسا در چتر حمایت زورمندان خارجی نیز به شکل سیستماتیک و گروهی به کارشان ادامه می‌دهند.

حلقه‌های حمایت‌کننده مالی خارجی نیز مستثنا از این امر نمانده و ادعاهایی از، دست داشتن آنان در این مساله وجود دارد. اتهامی را که اسحق

الکو، لوی‌سارنوال کشور به آیکن بیری، سفیر ایالات متحده امریکا وارد نمود، قطعاً بی‌اساس نبوده و مبتنی بر شواهدی خواهد بود که این مقام عدلی و قضایی را به گلایه وادار نموده است.

محمداسحق الکو، لوی‌سارنوال کشور پیش از این از مداخله نمایندگی رسمی امریکا در کابل در امر مبارزه با فساد شکایت نموده و بیان داشت که: «سفیر امریکا در کابل به وی گفته است که در صورت تحت پیگرد قرار ندادن حاجی رفیع‌الله عظیمی، معاون یک بانک، از مقامش کناره‌گیری کند». لوی‌سارنوال این تهدید را سلیقه‌ای و سیاسی خوانده، گفته بود که هیچ مدرک جرمی علیه فرد نام‌برده در دست ندارد.

رحمت‌الله نظری، معاون لوی سارنوال در امور نظارت نیز گفته است: «حدود ۲۰ قضیه، از وزرا، معینان، سفرا، والیان و اعضای بلند رتبه‌ی حکومت افغانستان نزد این اداره ثبت می‌باشد.» در میان این افراد نام محمدصدیق چکری سرپرست پیشین وزارت حج و اوقاف، حمیدالله قادری و عنایت‌الله قاسمی وزرای سابق ترانسپورت و هوانوردی، محمدامین فرهنگ وزیر سابق تجارت و صنایع، نادر آتش رییس شرکت آریانا، عبدالاحد صاحبی شاروال سابق کابل، اشراق حسینی معین سابق وزارت معارف، عطاالرحمن سلیم معین سابق وزارت حج و اوقاف، اکبر بارکزی معین سابق وزارت آب و برق، محمدولی رسولی معین سابق وزارت فواید عامه و احمدضیا صالحی مسول مالی شورای امنیت ملی موجود است.

تا کنون یگانه مانع فراروی اجرای قانون بر متهمان رده بالای آلوده به فساد، همین امر دانسته شده و دوسیه‌ها متروک و محترم مانده‌اند. موضوع مبارزه با فساد به حلقه‌های داخلی محدود نشده و تا مرز مناقشه میان حکومت افغانستان و کشورهای کمک‌کننده نیز پیش رفته است.

رهایی اختلاس‌گران بزرگ، نتیجه‌ی کاسه زیر نیم کاسه است

روزنامه ۸صبح، شماره ۱۱۲۳، ۱۵ حمل ۱۳۹۰، صفحه چهارم
نویسنده: احمد سعیدی

در مطبوعات، سه ماه یک مرتبه خبری از آدرس نهادهای عدلی و قضایی کشور به نشر می‌رسد که دوسیه اختلاس کارمندان عالی‌رتبه دولتی در حال تکمیل شدن است و بعد تا سه ماه دیگر نه حرفی است و نه دوسیه‌ای.

لوی‌سارنوال می‌گوید عنایت‌الله قاسمی هم‌چنان ممنوع‌الخروج است! در کشوری که ارگ ریاست‌جمهوری در کنترل نیروهای امنیتی نیست، جلو خروج عنایت‌الله قاسمی را از این خانه بی‌سر و در، چه کسی می‌گیرد؟

لوی سارنوالی اعلان کرد که محمدصدیق چکری و رییس سابق رادیو و تلویزیون و رییس شرکت آریانا همه ممنوع‌الخروج‌اند. باز به خاطر فریب مردم اعلان کرد چکری توسط پولیس انترپول دست‌گیر شده و در توقیف به سر می‌برد. اما فرادایش چکری در مصاحبه با بی‌بی‌سی گفت: «من آزادم و تو در توقیف مافیا هستی.»

گرفتاری مقامات عالی‌رتبه شکل نمایشی داشته و مشابهت به سریال‌هایی دارد که آغاز نشده انجام آن معلوم است. درست است که بخشی از فساد اداری محصول شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که نه تنها افغانستان بلکه

کردند که وی شرح می‌داد، این نهاد در به زندان کشیدن مقامات فاسد دولتی چقدر ناتوان است. در سال‌های گذشته، بارها شنیده‌ایم که مسوولان نهادهای داخلی و خارجی، به این بهانه که فلان مقام دولتی جنگ‌سالار است یا به گروه‌های با نفوذ سیاسی و مسلح رابطه دارد، گفته‌اند که مبارزه با فساد اداری مشکل است، اما اگر به صورت دقیق در مورد مقامات کنونی دولت افغانستان فکر کنیم، به جز چندتن معدود که به اصطلاح جنگ‌سالار هستند، دیگر همه آن جنگ‌سالاران از حلقه قدرت به دور زده شده‌اند. پس حالا چه دلیلی سبب می‌شود که مقامات فاسد دولتی هنوز از فرهنگ معافیت بهره می‌برند؟ آیا مافیای اقتصادی که همه می‌دانیم چه کسانی در آن شریک هستند، این قدر قدرتمند است که هیچ مهره‌ای از این مافیا، قابل مجازات قانونی نیست؟ این دولت حتا قادر نیست یک فرد را که معین یک وزارت است، یا حتا شاید وزیر باشد، به دلیل جرمی که انجام داده، به زندان بیاورد. این مقام شاید حداکثر ده تا بیست سرباز و محافظ داشته باشد.

بسیاری از کشورهای جهان سوم و در حال توسعه به آن مبتلا هستند، اما فسادی که در دولت افغانستان جریان دارد، بهتر است فساد سیاسی نامیده شود، یا به عبارت دیگر فساد رسمی است. عمده‌ترین عوامل فساد، به ساختار سیاسی دولت مربوط می‌شود که باعث تضعیف حاکمیت در درون نظام دولت شده است. عامل دیگر، نبود یک سیستم شفاف و نظارت‌مند اداری است که به فساد مجال داده است. مشکل دیگر بر سر این راه، ترجیح ملاک‌های سنتی و مصلحتی از قبیل قومیت و حیثیت می‌باشد. مسأله‌ی دیگر عدم وجود سیستم مکافات و مجازات برای کارمندان دولت و نداشتن اندیشه قانون‌پذیری است.

رشوه در افغانستان عامل پیدا و پنهان بیرونی دارد و شواهد قطعی، خاکی از وجود فساد در بین نیروهای خارجی دارد، تاجایی که فساد در بین خارجی‌ها کمتر از فساد در دولت نیست.

دادستانی کل:

در مسأله‌ی فساد

نواقص و چالش‌هایی در کار ما وجود دارد

روزنامه ماندگار، شماره ۵۴۱، ۱۵ حمل ۱۳۹۰، صفحه هشتم

رحمت‌الله نظری معاون دادستانی کل روز ۱۴ حمل، به اعضای مجلس نمایندگان گفت: در سال‌های گذشته و همین اکنون بررسی‌های زیاد صورت گرفته و نتایج آن نیز روشن است، اما او گفت، در برخی موارد مشکلاتی است که جلو کار آنها را می‌گیرد.

نظری افزود: «مشکلاتی داریم و خالی از اشتباه و نواقص هم نیستیم. به‌طور مثال یکی از معین‌های یکی از وزارت‌خانه‌ها از طرف محکمه به پنج سال و یک ماه حبس محکوم شده ولی ما اگر به تطبیق حکم اقدام کنیم مجبور می‌شویم یک غند از پولیس شخص مذکور را دست‌گیر کنیم. این مشکل را ما می‌پذیریم و همین مشکل سبب شده که ما نتوانسته‌ایم که تا حالا این معین را گرفتار کنیم».

معاون دادستانی کل افغانستان همچنین گفت که دوسیه‌های مربوط به ۲۰ تن از مقامات دولتی مورد بررسی قرار گرفته و بررسی‌های نهایی نیز در مورد ادامه دارد.

رییس استراتژی مبارزه علیه فساد اداری به مجلس نمایندگان فراخوانده شد

روزنامه آرمان ملی، شماره ۲۰۱۳، ۱۵ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

خبرها حاکی است که مجلس نمایندگان، معاون لوی‌سارنوالی و رییس استراتژی علیه فساد اداری را فراخوانده و در مورد پرونده‌هایی که تا حال بررسی و تکمیل نگردیده، معلومات خواستند.

داکتر عزیزالله لودین، رییس استراتژی مبارزه با فساد اداری با نشان دادن یک دوسیه گفت: این یکی از دوسیه‌هایی است که ارزش آن صد میلیون دالر است، در این دوسیه برخی وزیران و اشخاص زورمند شامل‌اند.

آقای لودین از افزایش فساد در ریاست ترافیک، ریاست ثبت احوال نفوس و یک تعداد دیگر ادارات خبر داد.

اعضای مجلس اظهار داشتند که پرونده‌های فساد اداری در لوی‌سارنوالی بررسی نمی‌شود.

بروید و خود را دار بزنید!

روزنامه آرمان ملی، شماره ۲۰۱۴، ۱۶ حمل ۱۳۹۰، صفحه هشتم

نویسنده: ادريس دانيال

روز ۱۵ حمل رسانه‌ها تصویری از معاون دادستانی کل کشور را پخش

فساد اداری؛ وجه مجهول همیشگی

روزنامه ماندگار، شماره ۵۴۳، ۱۶ حمل ۱۳۸۹، سرمقاله

مبارزه با فساد در کشور ما، به گونه‌ای است که یک پولیس با گرفتن سه‌هزار افغانی رشوه، به چند سال زندان محکوم می‌شود؛ اما کسی نمی‌تواند سارقان رسمی و فاسدان اصلی را سخنی بگوید.

به تازگی دادستانی کل کشور، یکی از وزیران پیشین را که به اختلاس لک‌ها دالر متهم کرده بود بعد از گذشت چند سال، بازداشت کرده است؛ اما رییس‌جمهور خود حکم رهایی آن را صادر کرده است. یا زمانی که دادستانی کل کشور ادعا می‌کند که نمی‌تواند فلان معین را که به فساد متهم شده است، بازداشت کنند، خیلی جالب به نظر می‌رسد؛ زیرا همکاری‌های لازمه در این زمینه وجود ندارد و یا این‌که در مبارزه با فساد اداری متأسفانه سلیقه‌ها بیشتر مورد نظراند؛ زیرا آنانی که خود فسادسالارانند، هیچگاه مورد توجه قرار نگرفته‌اند، زیرا فساد اداری در افغانستان به خصوص در این ده سال، وجه مجهول همیشگی قدرت بوده است و فسادسالاران، شریکان سلسله‌ی قدرت‌اند که نمی‌شود علیه آنها اقدام کرد؛ چرا که اگر آنها به راستی دهان باز کنند، شاید رسوایی شخصیت‌های مهم سیاسی در سطح مملکت، به میان آید.

بنابر این، باید بپذیریم که بحث مبارزه با فساد در افغانستان با این حکومت و حکومتداران به استهزا گرفته شده است. این حکومت ثابت کرده است که کوچکترین گام را در مبارزه با فساد اداری بر نداشته است؛ اما برای فریب دادن اذهان، فقط شعارهایی را مطرح می‌کند.

هشدار داکتر عبدالله

نسبت به اعتراضات مردمی در گسترش فساد

روزنامه ۸ صبح، شماره ۱۱۲۷، ۲۰ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

داکتر عبدالله عبدالله رهبر ایتلاف «تغییر امید»، نسبت به اعتراضات مردمی علیه گسترش فساد و عملکرد ضعیف دولت هشدار داده است. آقای عبدالله که در گردهمایی دانشجویان در کابل صحبت می‌کرد، گفت که مردم افغانستان و دولت‌مداران، باید از اعتراضات اخیر و تظاهرات گسترده‌ای که در کشورهای مصر و تونس صورت گرفته، بیاموزند.

او گفت که حکومت افغانستان در زمینه‌ی برآورده کردن خواسته‌های مردم گام‌های لازم را برنداشته است و این مسأله هر روز باعث ایجاد فاصله میان مردم و دولت می‌شود.

آقای عبدالله که از منتقدان برنامه‌های آقای کرزی به شمار می‌رود، در سخنان خود از آنچه که گسترش فساد و عدم پاسخگویی دولت‌مداران در برابر

مردم می‌خوانند به شدت انتقاد کرد. او با اشاره به فشارهایی که در نتیجه تظاهرات مردمی در کشورهایی چون مصر و تونس بر رهبران این کشورها وارد آمد، در مورد دولت‌مداران افغان گفت: «اگر رهبری موجود در اشتباهات غرق شود، جایی بهتر از آن که برای رهبران در شمال آفریقا و شرق میانه پیش‌بینی شده، در انتظارشان نخواهد بود».

باز پس‌گیری هزاران جریب زمین دولتی از غاصبان

روزنامه ۸ صبح، شماره ۱۱۲۹، ۲۲ حمل ۱۳۹۰، صفحه اول

طی شش ماه گذشته، از حدود چهار میلیون جریب زمین غصب شده‌ی دولتی در سراسر کشور، ۱۶ هزار جریب زمین از غاصبان زمین پس گرفته شده است.

احمد شهیر شهريار، رييس اداري اراضي افغانستان، گفته که این اداره حدود شش ماه قبل در چهارچوب وزارت زراعت، غرض جلوگیری از غصب زمین‌ها و مسترد نمودن زمین‌های غصب شده‌ی دولتی و تحویل دادن آن به سکتور خصوصی و دهاقین، ایجاد شده است. وی گفت که این اداره، در هماهنگی با ادارات دیگر ذی‌ربط، تاکنون ۳۰۰۰ جریب زمین را در ولسوالی‌های کهسان و انجیل هرات، ۶۰۰ جریب زمین را در ولسوالی‌های شکرده و پغمان، ۹۶۰۰ جریب زمین را در ولسوالی‌های بهسود، سرخ‌رود، رودات، بتی‌کوت، شینوار و کامه ولایت ننگرهار، و هم‌چنین ۳۰۰۰ جریب زمین را در مرکز ولایت غزنی از دست غاصبین باز پس گرفته است.

او گفت که زورمندان و مردم عادی، طی سه دهه اخیر بیش از چهار میلیون جریب زمین را در مناطق مختلف غصب نموده‌اند. وی از غاصبین نام نبرد، اما گفت که نسبت به مردم عادی، زورمندان زمین‌های زیادی را غصب نموده‌اند که برخی از آنها هم اکنون در کرسی‌های بلند دولتی قرار دارند.

مصاحبه‌ها و مقالات



مذاکره با طالبان منتج به صلح نخواهد شد

مصاحبه با خانم فوزیه کوفی، نماینده مردم ولایت بدخشان و رییس کمیته امور زنان در پارلمان افغانستان / مصاحبه‌کننده: جواد ناجی

سوال: به نظر شما، مخالفین دولت یا طالبان این ارزش‌هایی که شما به عنوان ارزش‌های دموکراتیک عنوان کرده‌اید را خواهند پذیرفت؟

پاسخ: بعید به نظر می‌رسد. معمولاً در هر کشوری، وقتی مذاکره و روند صلح آغاز می‌شود، هر دو جانب و گروه متخاصم، گذشت و انعطاف در موضع‌شان مشخص می‌شود. از سه سال به این طرف، دولت افغانستان به دنبال مذاکره با طالبان است. در این مدت، هیچ نوع انعطاف در موضع‌گیری‌های طالبان دیده نشده است. خواسته‌های گروه طالبان، از آن دسته خواسته‌هایی هستند که با ارزش‌های حاکم در جامعه غیرقابل پذیرش می‌باشند، مثلاً تعدیل قانون اساسی، تشکیل امارت اسلامی، مساله آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها، بیرون شدن بدون قید و شرط نیروها خارجی و مخالفت با حضور زنان و آن چیزهایی که در زمان حکومت طالبان تجربه کردیم، که این مسایل در شرایط حاضر غیرعملی می‌باشند. با چنین وضعیتی بعید می‌دانم که طالبان انعطاف داشته باشند و از یک موضع مذاکره و صلح‌طلبانه صحبت کنند.

سوال: نقش و تاثیرگذاری زنان را در پروسه صلح چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پاسخ: من به عنوان یک منتقد این پروسه، می‌خواهم بگویم، تا زمانی که نقش زنان در مصالحه برجسته نباشد، هیچ کشوری نمی‌تواند به تحولات اقتصادی، مدنی و اجتماعی برسد. ناروی یک نمونه کوچکی از کشورهایی است که بیشترین عاید سرانه را دارد. به این دلیل که زنان سهم ۵۵ درصدی در ساختار سیاسی دولت را دارند. بنابر این، اگر در افغانستان تلاش صورت بگیرد، باید حضور ۵۰ درصدی زنان

اگر دولت افغانستان بخواهد همچنان روند مذاکره را دنبال کند، یعنی بدون توجه به پارلمان، نادیده گرفتن احزاب سیاسی، نشنیدن صدای مردم افغانستان، مشوره نکردن با گروه‌ها و جامعه مدنی که طرف اصلی قضیه هستند، منجر به نقض حقوق شهروندی خواهد شد و این ره به جایی نخواهد برد.

را جدی بگیرند، زنان باید در پروسه‌های مختلف اجتماعی، تعلیمی و غیره نقش داشته باشند و به حقوق خود برسند، در غیر این صورت، بردن افغانستان به عقب و کشاندن آن به قهقرا است.

سوال: فعلاً ۸ عضو شورای عالی صلح را زنان تشکیل می‌دهند و این نسبت به شعاع وجودی‌شان، اندک به نظر می‌رسد. با توجه به این مساله، انتظار می‌رفت که بیشترین مخالفت‌ها از سوی زنان باشد؛ در حالی که چنین نیست، چرا؟

پاسخ: من فکر می‌کنم خانم‌هایی که مخالف این پروسه هستند، حضور و مشارکت‌شان برای تضمین این پروسه یک نیاز است. تا این پروسه صلح منتج به نقض حقوق بشر و حقوق خانم‌ها نشود. فعلاً ۹ نفر خانم که عضو شورای

سوال: دیدگاه شما نسبت به پروسه صلح و مصالحه با طالبان چیست؟

پاسخ: من فکر می‌کنم که دو مساله باید از هم تفکیک شوند: اول صلح، دوم پروسه‌ی مصالحه. من فکر می‌کنم که هیچ انسانی به خصوص، هیچ زنی با روند صلح نمی‌تواند مخالفت کند. به خاطر این که ما بیشترین بها و قیمت را در دوران جنگ پرداخت کرده‌ایم. نه تنها که صدمه‌ی بزرگ معنوی به این ملت رسید، بلکه فرزندهای این ملت نیز از دست رفتند. بنابر این، صلح یک نیاز اجتماعی بوده و خواست مردم افغانستان نیز هست. اما مذاکره با طالبان متفاوت از صلح است. مذاکره با طالبان الزاماً منجر به صلح نمی‌شود. به چند دلیل: اول، طالب یک گروه سیاسی نیست. بلکه یک گروه ایدیولوژیک است که مولود دستگاه‌های استخباراتی کشورهای همسایه و منطقه می‌باشد. دوم، طالبان یک گروه نظامی هستند که عملاً می‌جنگند. بنابر این، امتیاز بخشیدن به یک گروه ایدیولوژیک و نظامی منتج به تامین صلح نمی‌شود. این در حقیقت به روند دموکراسی، مردم‌سالاری و مشارکت مردم از راه دموکراتیک، صدمه می‌زند. اگر طالبان را به‌عنوان یک گروه سیاسی در نظر بگیریم، می‌تواند از مجراهای سیاسی مثل انتخابات در پروسه دولت شریک شوند. اما طالبان یک گروه نظامی هستند که هر روز جان صدها آدم را تحت عنوان اسلام می‌گیرند و ده‌ها انسان را در حمله‌های انتحاری از بین می‌برند، از این رو می‌توان گفت که طالبان چون یک گروه نظامی و تروریستی هستند در نتیجه، مذاکره با این گروه منتج به تامین صلح نخواهد شد.

سوال: طالبان علی‌رغم آن که یک گروه ایدیولوژیک هستند، اما ادعای رسیدن به قدرت نیز دارند و مقام‌های دولتی نیز، مدام گفته‌اند که طالبان می‌توانند در قدرت سهیم شوند، این بیانگر این مساله است که طالبان یک گروه سیاسی است؟

پاسخ: خوب یکی از اهدافی را که طالبان دنبال می‌کنند، تحکیم قدرت‌شان در ساختار دولت افغانستان است. من فکر نمی‌کنم که طالبان طرفدار مشارکت در پروسه قدرت باشند. طالبان طرفدار اعاده قدرت هستند، آنها خواهان قدرت مطلقه و حاکمیت بلامنازع در افغانستان‌اند، که این ضد ارزش‌های دموکراتیک در افغانستان است.

در گذشته گروه‌های نظامی و ایدیولوژیک در افغانستان بودند که از روش‌های مختلف به روند صلح و قانون‌مداری پیوستند. از جمله گروه‌های مجاهدین و غیرمجاهدین. پروسه‌های مختلف تطبیق شد تا این‌ها تبدیل به یک شهروند عادی شدند. از جمله پروسه «دی‌دی‌آر» و پروسه «دایاک».

حال اگر طالبان حاضر باشند که با پروسه خلع سلاح، خود را تطبیق دهند و سلاح از دست آنها گرفته شود، آنها ارزش‌های قانون اساسی را بپذیرند و حضور سیاسی و اجتماعی زنان را بپذیرند، آزادی بیان به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر را بپذیرند؛ در آن صورت، فکر نمی‌کنم که هیچ کسی با روند سیاسی مخالف باشد. اما فکر می‌کنم که ملت در سطحی از آگاهی رسیده‌اند که تشخیص دهند طالبان چه کاره‌اند.

است و مردم با پیروزی مجاهدین به یک صلح دائمی دست خواهند یافت. ولی نتیجه برعکس شد. من فکر می‌کنم که اگر مقایسه کنم این دو شرایط را، در آن زمان مردم افغانستان طرفدار صلح بودند و مردم مجاهدین را مربوط به ملت افغانستان می‌دانستند و به عنوان یک مقاومت ملی می‌دانستند اما امروز طالبان را به عنوان یک مقاومت ملی نمی‌دانند؛ با توجه به این که ملت حاضر نیست که طالبان را بپذیرند، در نتیجه پروسه صلح به شکست خواهد انجامید.

امروز ما نمی‌توانیم موفقیت را تضمین کنیم؛ مذاکره با طالب و این که ادعا کنیم که این پروسه، پروسه صلح است. گفتم که دو سناریو می‌تواند وجود داشته باشد یکی صلح طالبانی که افغانستان را به قهقرا می‌کشاند و کشوری دارای انسان‌ها اما انسان‌های بدون روح و بی‌جان که در برابر هیچ چیزی قدرت عکس‌العمل را ندارند، که این را نمی‌شود صلح نامید. این را می‌شود افغانستان مملو از انسان‌های مرده قلمداد کرد.

سوال: آیا مذاکره با طالبان دارای مشروعیت اجتماعی است یا این روند تنها یک پروسه سیاسی و دولتی است؟

پاسخ: این بیشتر یک پروسه حکومتی است تا مردمی. مشروعیت اجتماعی زمانی می‌تواند وجود داشته باشد که پروسه بر اساس یک قرارداد اجتماعی ایجاد شده باشد. قرارداد اجتماعی بر اساس پرناسیپ‌های دولت‌سازی، زمانی ایجاد می‌شود که شما طرف مذاکره را مشخص می‌سازید، تضمین برای رسیدن به هدف‌تان را به دست می‌آوردید و با آن تضمین، شما نتیجه را حاصل می‌کنید. در حال حاضر ابهامات زیادی در این پروسه وجود دارد که با توجه به این ابهامات همین قرارداد اجتماعی که بین دولت و مردم وجود دارد، نتیجه‌اش هنوز برای مردم افغانستان مبهم است.

سوال: آشتی و مذاکره با طالبان، چه پیامدهای اجتماعی و سیاسی برای آینده افغانستان به جا خواهد گذاشت؟

پاسخ: دو پیامد ممکن است داشته باشد. اول، اگر دولت مسوولیت‌های اساسی خود را که تضمین نیازمندی‌های شهروندی مردم است، نادیده بگیرد و به مسایل کلانی که از صلاحیت‌هایش خارج است بدون دخیل ساختن نهادهای دولتی از جمله پارلمان بپردازد، که این باز هم بردن افغانستان به دهه نود است. و یا اگر با نادیده گرفتن تمام ساختارهای دولتی و مردم افغانستان و نمایندگان آنها، دولت در پی مذاکره باشد، یکی از پیامدهای اجتماعی آن طالبانی ساختن افغانستان است.

سوال: واکنش پارلمان نسبت به این جریان‌هایی که با قوت تمام برای مصالحه در حرکت است، چیست؟

پاسخ: تا به حال مسایل مهمی چون مصالحه و خطوط اساسی دولت که شامل پالیسی‌های مصالحه دولت افغانستان می‌شود، به پارلمان افغانستان نیامده است. در حال که در ماده ۶۴ قانون اساسی افغانستان، از جمله وظایف رییس‌جمهور افغانستان این است که وی در تبانی و تفاهم با پارلمان افغانستان خطوط اساسی دولت را تعیین و تصویب کند.

پارلمان به عنوان قوه‌ای تصمیم‌گیرنده و مظهر اراده مردم افغانستان است، ما به عنوان نمایندگان این مردم در مسایل اساسی دولت در جریان نیستیم. پس پارلمان به عنوان ارگان اراده ملی که تمثیل می‌شود، نادیده گرفته شده است. کجای اراده ملی در پروسه مذاکره با طالبان گنجانیده شده است؟ با این وضعیت، فکر می‌کنم که بیشتر در حاشیه راندن پارلمان منتج به تقابل قوا و منتهی به ضعف داخلی خود نظام خواهد شد.

عالی هستند و با احترام که به آنها دارم، نقش‌شان در این شورا، بسیار برجسته نیست و حکومت افغانستان به صورت عمدی کسانی را انتخاب می‌کند که آنها طرفدار این پروسه باشند نه کسانی را که آنها صدای متفاوت و مخالف دارند.

من در کل روی پروسه صلح و شورایی که دولت افغانستان به صورت یک طرفه ایجاد کرده است، باورمند نیستم که این پروسه منتج به تامین صلح در افغانستان شود. در بدترین سناریو و سخت‌ترین شرایط دو چیز ممکن است اتفاق بیافتد: خوب‌ترین سناریوی آن این خواهد بود که دولت افغانستان به مسوولیت‌های اولیه‌اش بپردازد و حکومت‌داری موثر و خوب را گسترش بدهد و به نیازمندی‌های اساسی مردم رسیدگی کند. این بهترین سناریو است. مسایلی که خارج از حیطه صلاحیت دولت قرار دارد از جمله مبارزه با یک پدیده منطقه‌ای به نام طالب یا تروریسم که اکنون بین‌المللی شده است، این مسایل خارج از حیطه صلاحیت ما است و ما نمی‌توانیم با این روند صلح را در افغانستان بیاوریم. چون این پدیده‌ها، پدیده‌های منطقه‌ای هستند.

اما بدترین سناریو دو چیز می‌تواند باشد: اول، دوباره افغانستان را به دست طالب تسلیم کردن و دوم، جنگ داخلی را دامن زدن. چون کسانی هستند که اگر افغانستان طالبانی شود، ممکن است با این روند موافق نباشند و در نتیجه جنگ‌های داخلی دوباره آغاز شوند. در هر حالت، عمده‌ترین قربانی، مردم افغانستان هستند.

سوال: شما فکر می‌کنید که افغانستان، دوباره به امارت اسلامی طالبان تبدیل خواهد شد؟

پاسخ: روندی که در حال حاضر ادامه دارد و علایمی که از طرف دولت افغانستان مطرح شده و موضع‌گیری‌هایی که کشورهای منطقه از جمله پاکستان داشته است، افغانستان را به این سمت و سو به پیش می‌برد. حال باید به نقش جامعه جهانی توجه کنیم.

در حال حاضر وزیر خارجه امریکا گفته است که خروج آنها از افغانستان صد در صد نخواهد بود و با توجه به شرایط افغانستان خواهد بود. و نیز گفته‌اند که از روند مذاکره با طالبان تا زمانی حمایت می‌کنند که ارزش‌های مدنی در افغانستان نقض نشود. با وجود این، باید دید که این وضعیت تا چند ماه آینده چگونه انکشاف می‌کند. من فکر می‌کنم که دولت افغانستان یک شریک قابل اعتماد برای جامعه بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم نیست. با وضعیتی که اکنون وجود دارد، اگر دولت افغانستان بخواهد هم‌چنان روند مذاکره را دنبال کند، یعنی بدون توجه به پارلمان، نادیده گرفتن احزاب سیاسی، نشنیدن صدای مردم افغانستان، مشوره نکردن با گروه‌ها و جامعه مدنی که طرف اصلی قضیه هستند، منجر به نقض حقوق شهروندی خواهد شد و این ره به جایی نخواهد برد و طبیعی است کسانی که به این روند حساس هستند یا مخالف هستند، ناگزیر دست به جنگ‌های داخلی خواهند زد چون اگر اهداف‌شان از راه دموکراتیک برآورده نشود با توجه به این که افغانستان یک کشوری مسلح است، کوتاه‌ترین راه همین خواهد بود که از راه نظامی مثل این که طالب از راه خشونت می‌خواهند به هدف خود برسند، گروه‌های دیگر هم در داخل افغانستان از راه خشونت به هدف خود برسند.

این دو سناریو، سناریوهای بسیار بدی هستند و امیدوارم که زمینه برای این سناریوها و این اهداف مساعد نشود. ولی در حال حاضر راهی را که ما می‌رویم، تمایل به این سناریوها دارد.

سوال: با توجه به ایدیولوژی که طالبان دارند، آیا مکانیزم مذاکره و آشتی با طالبان درست است و امکان به وجود آوردن صلح هست؟

پاسخ: باز هم من می‌خواهم که دو کلمه با هم مغالطه نشود. اول مذاکره با طالبان، دوم تامین صلح. مذاکره با طالبان الزاما منجر به صلح نخواهد شد. ما زمانی که جنگ داخلی در دهه نود که حکومت داکتر نجیب سقود کرد را به خاطر داریم و تصور بر این بود که «مشی مصالحه ملی» که داکتر نجیب تعقیب می‌کرد، با آمدن مجاهدین به صحنه قدرت، عملی خواهد شد و نتیجه‌اش موثر

New publications

مطالب تازه

Afghan Taliban intelligence network embraces the new

Los Angeles times / April 13, 2011

The Taliban has deepened its infiltration of Afghan institutions and sharpened its surveillance of Afghan and foreign troops as it seeks to exploit an edge in the information war that will help decide the fate of the insurgency.

Much of the Taliban's structure was destroyed or dispersed by the 2001 U.S.-led invasion, which forced the militant group from power. Midlevel commanders have been hit hard in recent months by Western forces, and NATO officials say the Pakistani-based leadership is plagued by infighting.

<http://www.latimes.com/news/nationworld/world/la-fg-taliban-intelligence-20110414,0,6672065.story>

Al-Qaeda sees opportunity in peace

Asia Times / April 13, 2011

With the great 2011 Arab revolt still simmering, Western leaders are scrambling to bring to an end the 10-year war in Afghanistan, where the Taliban-led insurgency remains unbeaten. A step in the direction of an endgame through a political reconciliation process is likely to be taken at a preparatory conclave on the security and reconstruction of Afghanistan to be held in Turkey's capital Ankara next month.

http://www.atimes.com/atimes/South_Asia/MD13Df03.html

Kabul Bank to Be Dissolved

Wall Street Journal / April 11, 2011

Afghan President Hamid Karzai said Monday that Kabul Bank, the largest private lender in the country, will be dissolved and that he has ordered the Afghan attorney general's office to investigate corruption allegations at the lender and to begin prosecutions.

The announcement appears to end six months of tensions between the Afghan government and the international community, which pushed Mr. Karzai to dissolve Kabul Bank and to pursue an investigation that could lead to prosecution of the bank's key shareholders and managers.

http://online.wsj.com/article/SB10001424052748703841904576256780797518272.html?mod=googlenews_wsj

Top Afghan Official Confirms Talks With the Taliban

New York times / April 6, 2011

A top Afghan official confirmed on Wednesday that the country's government had been in peace talks with the Taliban.

The official, Mohammad Massoom Stanekzai, secretary of the High Peace Council and an adviser to the Afghan president, Hamid Karzai, said reconciliation talks had been under way with insurgents for some time.

<http://www.nytimes.com/2011/04/07/world/asia/07afghanistan.html?ref=asia>

Raids on ex-Taliban threaten Afghan peace process, diplomats warn

Guardian / April 6, 2011

International and Afghan security forces are setting back the embryonic peace process by raiding the homes of former Taliban officials instrumental in promoting talks with insurgents, according to diplomats and leaders of the former hardline regime.

At a time when the US has called for a "diplomatic surge" to solve the conflict, the most recent target of the greatly expanded night raids programme, which employs electronic eavesdropping and special forces units on a major scale, was Mullah Zaeef, former Taliban ambassador to Islamabad and a proponent of peace talks. He is regarded as sufficiently important by the international community that last year an international travel ban on him was lifted, enabling him to travel to London.

<http://www.guardian.co.uk/world/2011/apr/06/raids-taliban-afghan-peace-process>

Facts and Fiction on the Frontier: The Haqqanis and the Kurram peace deal

Afghanistan Analysts Network (AAN) / by: Fabrizio Foschini / April 14, 2011

For a few weeks, it looked like the sectarian conflict in Kurram Tribal Agency had been brought to a solution. The years-long siege on Shia residents had been lifted thanks to a much talked about peace agreement, allegedly brokered with the help of Jalaluddin Haqqani. This, however, now looks increasingly doubtful and seems to be more the part of a narrative that wants to paint a

favourable picture of the old mujahedin commander's network. Meanwhile, a series of brutal attacks have plunged one of the most strategic areas of FATA once more into instability, while the links between this conflict and the one in Afghanistan grow even stronger. AAN's analyst Fabrizio Foschini pieces the story together.

<http://aan-afghanistan.com/index.asp?id=1627>

Victims Organisations Sound a Wake-up Call

Afghanistan Analysts Network (AAN) / by: Sari Kouvo / April 13, 2011

AAN continues its analysis of civil society's role in and ability to influence the processes unfolding in Afghanistan. AAN's Sari Kouvo and Obaid Ali participated in the National Victims Conference held in Kabul 30-31 March.

<http://aan-afghanistan.com/index.asp?id=1624>

Towards a More United Voice of Civil Society

Afghanistan Analysts Network (AAN) / by: Fabrizio Foschini / April 5, 2011

During the last months, AAN's Fabrizio Foschini has had the chance to follow closely the process leading to the formation of a network of Afghan civil society organisations, its path to a two-day conference in Kabul, and its plans for future initiatives.

<http://aan-afghanistan.com/index.asp?id=1601>

U.S. pledges more money for peace program in Afghanistan

Washington Post / By Joshua Partlow / April 7, 2011

The United States pledged \$50 million Wednesday to jump-start a slow-moving program to encourage Taliban members in Afghanistan to stop fighting and support the government.

Facing rising levels of violence in recent years, Afghan and U.S. officials have struggled to craft incentives for insurgents to give up their cause. But government-funded programs have been plagued by misspent funds, and fledgling talks with Taliban leaders have made little headway.

http://www.washingtonpost.com/world/us-pledges-more-money-for-peace-program-in-afghanistan/2011/04/06/AFn87hqC_story.html

حقیقت تنها مسوول یادداشت‌ها، تحلیل‌ها و تبصره‌هایی که می‌نویسد می‌باشد.

اخبار، گزارش و مطالبی که از نشریه‌ها گزینش می‌گردد، مسؤلیت آنها به خود نشریات بر می‌گردد و دیدگاه ما را بازتاب نمی‌دهد.

از ارسال نظریات شما به این آدرس استقبال می‌شود:

ایمیل: publication@watchafghanistan.org

تلفون: +93 (0) 778 89 38 33

صاحب امتیاز: دیده‌بان افغانستان

تحلیل‌گر مطبوعات: جواد ناجی

ویراستار: تیمور بیگ

صفحه‌آرایی: احمدضیاء محمدی

تایپ: مریم رضایی

درباره‌ی دیده‌بان افغانستان

دیده‌بان افغانستان یک نهاد مستقل غیرحکومتی می‌باشد و در وزارت اقتصاد ملی جمهوری اسلامی افغانستان ثبت شده است. دورنمای این نهاد را رسیدن به یک جامعه دموکراتیک، امن، بردبار و برخوردار از عدالت که تمامی شهروندان بتوانند از فرصت‌های مساویانه بهره‌مند باشند، تشکیل می‌دهد.

رسالت این نهاد، انجام فعالیت‌هایی می‌باشد که باعث بهبودی صلح، عدالت و فرهنگ همدیگر پذیری و احترام گذاشتن به حقوق بشری در افغانستان می‌شود. تعهد قوی به دموکراسی، عدالت، حقوق بشر، انکشاف متوازن اجتماعی و اقتصادی کشور، بی‌طرفی، استقلال و تخصص به عنوان رهنمود فعالیت‌ها و ارزش‌های محوری سازمان می‌باشند.

برای معلومات بیشتر در مورد دیده‌بان افغانستان و یا بدست آوردن نشریات آن، به آدرس ذیل در تماس شوید:

نزدیک برج برق دهبوری، کابل، افغانستان.

پست باکس: کابل، پسته خانه دهبوری، نمبر پست بکس: ۱۰۰۸۳

تلفون: +93 (0)799 21 55 77, 799 30 14 34

ایمیل: publication@watchafghanistan.org

وبسایت: www.watchafghanistan.org